

بررسی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن

محمد رضا مهدوی یگانه

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید

چکیده

اعجاز عددی یکی از انواع مختلف اعجاز علمی قرآن است که در قرن اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است برخی از کسانی که از قدسی و غیربشری بودن قرآن دفاع می‌کنند برای اثبات حقانیت و الهی بودن آن به نظم ریاضی موجود در قرآن پرداخته و سعی در اثبات یک نظم و قانون کلی و فراگیر در سراسر قرآن دارند و عدد خاصی را به عنوان عدد سر و رمز معرفی می‌نمایند. یکی عدد ۱۹، دیگری عدد ۷ یا اعداد دیگر. عده دیگری نیز با تقابل واژه‌ها و برقراری نسبت عددی بین آنها و یا راه‌های دیگر در پی به دست آوردن کلید رمزفهم قرآن هستند. در این مقاله با ارزیابی هر یک از این ادعاها و دلایلی که بر آن اقامه شده میزان صحت و سقم آن‌ها بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن؛ اعجاز عددی؛ تناسب عددی؛ نظم ریاضی؛ معجزه.

مقدمه

معجزه و غیر بشری بودن قرآن مسأله‌ای است که از قرون اولیه اسلامی تا کنون مورد بحث و تأکید اندیشمندان مسلمان بوده است. از اولین نوشته‌های مربوط به تفسیر و علوم قرآن که از مباحث فصاحت و بلاغت قرآن شروع شد تا زمان حاضر، عرصه‌های گوناگون اعجاز قرآن مورد دقت و بررسی قرار گرفته است.

نگاه‌های رمزگرایانه و صوفی‌مآبانه همراه با تاویل‌های باطنی از قرآن از یک سو و رویکرد اعجاز علمی به قرآن از سوی دیگر باعث شد تا نظریه اعجاز عددی برای اولین بار از سوی رشاد خلیفه که به گفته خودش در یک خانواده صوفی مسلک و با گرایش‌های باطنی متولد شد، مطرح شود. وی در پی کشف اسرار حروف مقطعه برآمد و در نهایت نظریه‌اش را مبنی بر این که عدد ۱۹ کلید رمز قرآن است اعلام کرد. پس از رشاد خلیفه کسانی راهش را ادامه دادند. برخی نظریه‌اش را اصلاح و ترمیم وعده‌ای هم اعداد دیگری را به عنوان عدد رمز قرآن معرفی کردند.

روش دیگری که پس از رشاد خلیفه در زمینه اعجاز عددی قرآن ابداع شد، بررسی مناسبات عددی بین واژگان و آیات قرآنی بود. آقای عبدالرزاق نوفل مبدع این روش بود. پس از او نیز افرادی مثل ابو زهرا النجدی و دیگران کارش را دنبال کردند.

امروزه نیز هر از چندگاهی از اعجاز عددی قرآن با روش‌ها و انگیزه‌های گوناگون سخن به میان می‌آید. بررسی ادله و دیدگاه‌های این نظریات و بیان نقدهای اساسی آن‌ها محورهایی است که این مقاله عهده‌دار تبیین آن می‌باشد.

۱. تعریف اعجاز عددی

مقصود از اعجاز عددی قرآن، وجود نوعی رابطه و نظم ریاضی در سراسر قرآن است که اثبات می‌کند یک انسان بی‌سواد و درس‌نخوانده توان خلق قرآن با این نظم را ندارد بلکه قدرتی فوق‌بشری در آن دخیل بوده و به آن احاطه داشته است. همان‌گونه که از خود اصطلاح بر می‌آید در آن، رابطه و محاسبات عددی به کار رفته است.

۲. مراحل شکل‌گیری بحث اعجاز عددی

با توجه به اینکه در این بحث از کار برد اعداد در توجیه و تفسیر کلام استفاده می‌شود می‌توان ابتدای این بحث را زمانی دانست که حساب جُمَل ابداع شد. حروف در حساب جمل به غیر ترتیب هجایی مرتب می‌شوند. این ترتیبی قدیمی بنا بر اصل لغات سامی است. چرا که بنا به نظر اهل لغت، لغات عربی، سریانی و عبرانی در اصل و نسب با هم یکی هستند. (فاتح حسنی، ۱۴۲۴ق: ۵۹؛ ورافعی، ۱۹۷۴: ۱۱۱/۱)

حروف ابجد عبری با عربی تا حرف (ت) (قرشت) یکی است و در عربی زیاده بر عبری (ثخذ-ضطغ) نیز وجود دارد. (فاتح حسنی/همان)

در این نوع حساب حروف الفبا به صورت ابجد نوشته می‌شود و برای هر حرفی معادل عددی در نظر گرفته می‌شود. حروف جُمَل دارای هشت صورت است که ابجد، نام نخستین صورت از صور هشت‌گانه آن می‌باشد: ابجد- هَوَز- حُطَى- کَلَمَن- سَعْفَص- قرشت- ثخذ- ضَطْغ. در حساب جُمَل، الف تا ط به ترتیب، نماینده یک تا ه، ی تا ص به ترتیب، نماینده ده تا نود و ق تا مخ به ترتیب، نماینده صد تا هزار است.

علمای قوم یهود از نخستین کسانی بودند که از این روش محاسبه استفاده کردند. آنها با

دخالت دادن ارزش عددی حروف در تفسیر کلام و استخراج حاصل جمع کل حروف، قضاوت هایی در باره کل کلام می کردند. این روش در بین یهود به گروهی از آنها منسوب است که دارای تمایلات عرفانی و باطنی هستند (ستاره شناس، ۱۳۸۶؛ راسخی، ۱۳۷۸: ۲۲۱-۲۴۴). داستان گروهی از علمای یهود که نزد پیامبر(ص) آمدند و با شنیدن حروف مقطعه خواستند با حساب جُمَل مدت عمر حکومت آن حضرت را مشخص کنند معروف است. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱/۴۰). از آغاز نزول قرآن بر سر ماهیت حروف مقطعه که در آغاز برخی سوره‌ها آمده، اختلاف وجود داشته است. عده‌ای این حروف را رموزی بین پیامبر(ص) و خداوند می دانستند. برخی نیز می گفتند در این حروف پراکنده، اسم اعظم خداوند نهفته است. کسانی هم علت آورده شدن این حروف را این گونه توجیه می کردند که قرآنی که این همه شگفتی و جاذبه دارد از همین حروف الفبا تشکیل شده است. مرحوم طبرسی یازده قول در معنای این حروف ذکر می کند (همان).

علامه طباطبایی پس از ذکر این اقوال، وجوه دیگری به آن می افزاید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶/۱۸). ایشان این حروف را رموزی بین خدا و پیامبر(ص) می داند که افراد عادی راهی به درک و فهم آن ندارند (همان). به نظر ایشان بین این حروف و مضامینی که در هر یک از این سوره‌ها آمده ارتباط خاصی وجود دارد (همان) و چه بسا اگر اهل تحقیق در مشترکات این حروف دقت کنند و مضامین سوره‌هایی را که بعضی از این حروف در ابتدای آنها آمده با یکدیگر مقایسه کنند رموز بیشتری برای شان کشف شود. ایشان روایتی از امام علی(ع) ذکر می کنند که آن حضرت فرموده: برای هر کتابی نقاط برجسته و چکیده‌ای است و چکیده قرآن حروف الفباست (همان: ۹/۱۸).

در میان محققان علوم قرآنی جلال‌الدین سیوطی اولین کسی است که این حروف را به صورت جدی مطرح کرده است. او می گوید: حروف مقطعه در هر سوره با تکرار حروف آن ارتباط دارد طوری که نمی توان آن حروف را با یکدیگر جابجا کرد. هر سوره‌ای که با حرفی از آن حروف

شروع می‌شود، بیشتر کلمات و حروفش مانند آن است (سیوطی، ۱۴۱۶ق: الف، ۲/۹۸۹). این اشاره سیوطی جرقه‌ای بود که در زمان‌های بعد توسط کسانی چون رشاد خلیفه شعله‌ور شد. رشاد خلیفه یک شیمی دان مصری بود که در پی کنجکاوی هایش درباره تفسیر حروف مقطعه توانست به نتایجی دست یافته و به گفته خود آنها را رمز گشایی کند.

نگاه‌های رمزگرایانه و صوفی‌مآبانه همراه با تاویل‌های باطنی از قرآن از یک سو و رویکرد اعجاز علمی به قرآن از سوی دیگر باعث شد تا نظریه اعجاز عددی برای اولین بار از سوی رشاد خلیفه که به گفته خودش در یک خانواده صوفی مسلک و با گرایش‌های باطنی متولد شد، مطرح شود



۳. نظریه‌های اعجاز عددی

۳-۱. عدد ۱۹

رشاد خلیفه با بررسی حروف مقطعه در آغاز سوره‌ها و تکرار آن حروف در آن سوره‌ها متوجه شد که شماره آن حروف در آن سوره‌ها بیشتر از سایر حروف است. او می‌گوید: در سال ۱۹۶۸م به این نتیجه رسیدم که ترجمه‌های کنونی قرآن به انگلیسی، پیام حقیقی آخرین کتاب خدا را در بر ندارد و حقیقت کلام خدا در آنها تغییر داده شده است، لذا تصمیم گرفتم تا قرآن را ترجمه کنم و تا آیه‌ای را کاملاً درک نکنم سراغ آیه دیگر نروم. من تمام ترجمه و تفاسیری را که می‌توانستم پیدا کنم خریداری و ترجمه خود را آغاز کردم (رشاد خلیفه، ۱۹۹۵: ۶۱۳).

او ابتدا تمام قرآن را در کامپیوتر نوشت و تلاش کرد ببیند بین حروف مقطعه قرآن رابطه‌ای از نظر ریاضی وجود دارد یا خیر. وی ابتدا از حروف مقطعه تک حرفی شروع کرد و سوره‌های «ق» و «قلم» را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که تعداد تکرار حرف قاف در هر یک ۵۷ مرتبه است که جمع آن در دو سوره ۱۱۴ می‌شود و این عدد بر ۱۹ قابل تقسیم است ($114 = 19 \times 6$).

قرآن در سوره «ق» به مجید توصیف شده که مقدار عددی «مجید» ۵۷ می‌شود و این عدد بر ۱۹

قابل تقسیم است. واژه‌ی «قرآن» در قرآن ۵۷ مرتبه تکرار شده که بر ۱۹ قابل قسمت است (همان، ۶۱۳)، که در تمام سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع می‌شوند تعداد تکرار آن حروف در آن سوره از تعداد تکرار آنها در سوره‌های دیگر بیشتر است (همان، ۶۱۴).

او همچنین به دیگر حروف مقطعه دو حرفی، سه حرفی، چهار و پنج حرفی پرداخت و وجود چنین رابطه‌ای را در مورد آنها نیز صادق دانست. همچنین با بررسی تعداد حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» متوجه شد که این تعداد نیز عدد ۱۹ را نشان می‌دهد. تعداد تکرار هر یک از کلمات (بسمله) نیز عددی قابل قسمت بر ۱۹ را نشان می‌داد.

سپس وی متوجه آیه ۳۰ سوره مدثر شد. به نظر او آمدن عدد ۱۹ در این آیه یک نشانه است «علیها تسعه عشر» «برسر آن آتش نوزده نفر (نگهبان) وجود دارد». رشاد خلیفه در این باره می‌گوید: هر کس که ابتدا این آیه را بخواند فکر می‌کند که عدد نگهبانان جهنم ۱۹ نفر است، اما آیه بعد می‌فرماید هیچ کس شماره آنها را نمی‌داند. پس عدد آنها ۱۹ نفر نیست. سپس خداوند می‌فرماید: ما این عدد را فتنه و امتحان برای کافران قرار دادیم و برای اینکه اهل کتاب و مؤمنان ایمانشان بیشتر شود (مدثر/۳۱). حال وقتی به ترتیب و تسلسل نزول قرآن از ابتدا نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ابتدا آیاتی از سوره علق نازل شد که اگر از آخر قرآن شمارش کنیم عدد آن ۱۹ می‌شود. سپس آیاتی از سوره قلم نازل شد (۱۹ آیه). بعد از آن ۱۹ آیه از سوره مزمل نازل شد. پس از آن این آیات سوره مدثر نازل شد (۱۹ آیه) که آخر آن «تسعه عشر» (نوزده) می‌باشد و بعد از آن سوره فاتحه نازل شد که ابتدای آن «بسمله» قرار داشت که ۱۹ حرف دارد و سوره حمد اولین سوره کاملی است که نازل شد (بیضون، ۱۴۲۵ق: ۲۱۶).

ایشان ضمن بررسی‌های خود به نتایج جالبی رسیده است؛ از جمله این که:

۱. در سوره «ق» در تمام سوره واژه «قوم» به کار برده شده مگر در آیه ۱۳ که فرموده: «اخوان لوط» و اگر به جای «اخوان» کلمه «قوم» به کار می‌رفت تعداد قاف‌ها قابل تقسیم

بر عدد ۱۹ نمی‌شد (رشاد خلیفه، پیشین، ۶۱۴).

۲. در سوره اعراف آیه ۶ به جای «بسطه» «بصطه» آمده است. اگر اینگونه نبود تعداد صاده‌ها بر ۲۱ قابل قسمت نمی‌شد. البته روایتی هم در این باره نقل شده که جبرئیل به پیامبر (ص) فرمود: «به کاتبان وحی بگو این کلمه را با صاد بنویسند» (بیضون، پیشین، ۲۲۰) هم چنین در سوره آل عمران آیه ۱۹۶ به جای «مکه»، کلمه «بگه» آمده که اگر بر خلاف آن بود یک میم زیاد می‌شد و تعداد میم‌ها بر عدد ۱۹ قابل قسمت نمی‌شد. (همان)

آقای رشاد با توجه به یافته‌های خود عدد ۱۹ را یک کد جهانی معرفی می‌کند. او می‌گوید: «عدد ۱۹ را می‌توان امضای خالق بر تمام مخلوقاتش در نظر گرفت (رشاد خلیفه، پیشین؛ ۷۱۹). مثلاً خورشید و ماه و زمین هر ۱۹ سال یک بار بر روی یک خط قرار می‌گیرند. یا ستاره دنباله‌دار هالی هر ۷۶ سال (۱۹×۴) به ملاقات منظومه شمسی می‌آید. یا بدن انسان دارای ۲۰۹ (۱۱×۱۹) استخوان است و بدن انسان از ۱۹ نوع سلول مختلف تشکیل شده است (همان).

۳-۱-۱. خواص عدد ۱۹ از نظر رشاد خلیفه

۱. ۱۹ عدد اول است.
۲. این عدد شامل اولین عدد فرد و آخرین (بزرگترین) عدد فرد می‌باشد «اشاره به هو الاول والاخر».
۳. این عدد در همه زبان‌های دنیا به یک شکل نوشته می‌شود.
۴. این عدد دارای خواص ریاضی فراوانی است.
۵. با توجه به اینکه ۱۹ عدد اول است، مقدار عددی «واحد»، «یکتا»، در همه زبان‌های «آرامی، عبری و عربی» ۱۹ است. (همان، ۶۲۴)

۳۰ عدد خاص در قرآن آمده که مجموع همه آنها ۱۶۲۱۴۶ می‌شود که بر عدد ۱۹ قابل قسمت است (۱۹×۸۵۳۴) (همان، ۶۲۸). تمام اعداد تکرار شده در قرآن با تکرار مجدد ۲۸۵ مرتبه می‌باشد که بر ۱۹ قابل قسمت است (۱۹×۱۵) (همان). به نظر ایشان عدد ۱۹ دارای اهمیت تاریخی است و قرن‌ها قبل از آن مورد توجه بوده است. او از کتاب مطالعات در

تصوف یهود، مطلبی را در باره یک خاخام یهودی نقل می‌کند: قضیه از این قرار بود که در قرن ۱۲ میلادی در فرانسه، مردم یهودی کلماتی را به دعای صیح اضافه کرده بودند. این خاخام یهودی نوشته که این ها همه در اشتباهند و دروغ می‌گویند چون فقط نوزده بار اسم خدا در نماز صبح می‌آید و کلمه الوهیم ۱۹ مرتبه در دعا تکرار شده است و اسراییل ۱۹ مرتبه «پسران» خوانده شدند (همان، ۶۳۵).

۳-۱-۲. ادعاها و انحرافات رشاد خلیفه

آقای رشاد خلیفه در پی کشف رمز عدد ۱۹ در قرآن سعی کرد با استفاده از این عدد مطالبی را اثبات یا رد کند. او با دخالت دادن عدد ۱۹ در محاسبات خود تلاش کرد حتی معارف و احکام دینی را اثبات کند (همان، ۶۶۱). مثلاً تعداد رکعات نماز و اینکه باید نماز به عربی خوانده شود (همان، ۶۶۳). هم چنین ادعا کرد که زمان دقیق وقوع قیامت به او خبر داده شده و پایان سال ۱۷۰۹ هجری قمری و ابتدای سال ۱۷۱۰ زمان وقوع قیامت است. (همان، ۶۶۳)

او ادعا کرد که فرشته جبریل به او گفته «قطعاً تو یکی از رسولان هستی» و آیه سوم سوره یس، «انک لمن المرسلین» به خصوص او اشاره دارد (همان). او در توجیه ادعای خود محاسبات ریاضی و عدد ۱۹ را پیش کشید و گفت: اگر سوره‌های حروف مقطعه دار قرآن را از سوره بقره شروع کنیم و یکی پس از دیگری تا به سوره «یس» (سوره ۳۶) برسیم، می‌بینیم این سوره نوزدهمین سوره است که حروف مقطعه دارد. آیه ۳ این سوره می‌فرماید: «قطعاً تو یکی از رسولان هستی» مقدار عددی این جمله ۶۱۲ است. با اضافه کردن این مقدار به شماره سوره (۳۶) و شماره آیه (۳) و مقدار عددی رشاد خلیفه (۵۰۵+۷۲۵) عدد ۱۸۸۱ به دست می‌آید (۱۹×۹۹). از طرفی سوره ۳۶ (یس) شامل ۸۳ آیه است که اگر شماره سوره (۳۶) را به تعداد آیات آن (۸۳) اضافه کنیم و با مقدار عددی رشاد خلیفه (۵۰۵+۷۲۵) جمع کنیم این عدد بدست می‌آید (۱۹×۷۱) = ۱۳۴۹ که قابل تقسیم به ۱۹ است: (همان، ۶۴۵). او با استفاده از این محاسبات ادعا کرد که در سال ۱۳۹۱ هجری وقتی مشغول زیارت و اعمال حج بوده فرشته

وحی، جبریل، روحش را به آسمان برده و او را به عنوان رسول میثاق خدا به همه پیامبران معرفی کرده است (همان، ۶۳۸). وی همچنین گفت که تا سال ۱۴۰۶ هجری جزئیات این واقعه برایش مخفی بود. او با محاسبات ریاضی و با استفاده از عدد ۱۹ جزئیات این واقعه را کشف کرد (همان).

همچنین ادعا کرد که نامش به عنوان «رشاد خلیفه» در قرآن کد گذاری شده است. او خود را رسول میثاق خدا در عصر کامپیوتر دانست (همان، ۶۳۹). و مأموریت خود را به عنوان رسول میثاق خدا، تصدیق همه کتاب های آسمانی موجود، پاک کردن و متحد کردن آنها در یک پیام الهی معرفی کرد (همان، ۶۳۸). بدیهی است که کشف این کد نیز با استفاده از عدد ۱۹ صورت گرفت (همان).

یکی از انحرافات بسیار جدی آقای رشاد خلیفه اعتقاد به تحریف قرآن بود. او این ادعا را نیز با محاسبات ریاضی و عدد ۱۹ بدست آورد. او ادعا کرد دو آیه آخر سوره توبه جزء قرآن نیست و توسط افرادی بعد از پیامبر به قرآن اضافه شده است (همان، ۶۷۷). به اعتقاد وی ۱۹ سال پس از وفات پیامبر، عثمان لجنه‌ای تشکیل داد که قرآن را دوباره جمع آوری کنند. آنها پس از پایان کار، دو آیه به احترام پیامبر به قرآن افزودند. این عمل با مخالفت افرادی چون امام علی (ع) مواجه شد ولی دیگران آن را قبول کردند. همین مسأله باعث ایجاد تفرقه در امت پیامبر (ص) و موجب بروز جنگ هایی خونین بین آنان مانند جنگ های امام علی (ع) با معاویه و دیگران و واقعه کربلا شد که منجر به کشته شدن حسین بن علی (ع) گردید (همان، ۶۷۷). رشاد خلیفه دلایلی بر این ادعای خود ذکر می کند از جمله:

۱. تعداد تکرار کلمه «الله» در سوره توبه ۱۲۷۳ مرتبه است (۶۷×۱۹) که اگر دو آیه آخر را حساب کنیم این نظم ریاضی در این سوره و در کل قرآن به هم خواهد ریخت. کلمه الله در قرآن کنونی ۲۶۹۹ بار تکرار شده که بر عدد ۱۹ قابل قسمت نیست (همان: ۶۷۶-۶۹۵).
۲. وقتی به منابع قدیمی مراجعه می کنیم می بینیم این دو آیه همیشه مورد سوءظن بوده است. معروف است که می گویند: این دو آیه تنها نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافت شد و

دیگران از آن بی اطلاع بودند و شخصی حدیثی ساخت که شهادت و گواهی خزیمه مساوی گواهی دو نفر است و آن دو آیه را از او پذیرفتند (همان).

۳- تمام آیات این سوره مدنی می‌باشد به جزء دو آیه آخر که مکی است و سوره مدنی شامل آیات مکی نمی‌شود. از طرفی خزیمه از تازه مسلمانان مدینه بود بنابراین چگونه آیات مکی تنها نزد او یافت شد (همان).

۳-۱-۳. نقد نظریه رشاد خلیفه

بعد از اینکه رشاد خلیفه نظریه خود را درباره اعجاز عددی قرآن و عدد ۱۹ منتشر ساخت افراد متعددی نظریه او را نقد یا ابطال کردند. در این قسمت به برخی از این نقدها اشاره می‌شود.

۳-۱-۳-۱. نقض‌های نظریه رشاد خلیفه

ادعا شده که مجموع تکرار حروف مقطعه در سوره‌هایی که با آن حروف شروع شده‌اند دقیقاً مضرب ۱۹ می‌باشد اما با کمی تأمل می‌بینیم که این مطلب کلیت ندارد، مثلاً حرف نون در سوره قلم ۱۳۱ مرتبه آمده است نه ۱۳۳ بار و در سوره «طه» مجموع «ط» و «ه» ۲۳۹ است نه ۳۴۲ (یزدانی، ۱۳۷۵: ۶۶).

آقای رشاد خلیفه با اینکه معیار را در شمارش حروف، رسم الخط عثمانی می‌داند اما خود از این قاعده تخطی می‌کند و هنگام شمارش حرف «ن» در سوره قلم آن را به صورت «نون» می‌نویسد تا تعداد به حد نصاب برسد. در سوره «طه» نیز تائید را هاء حساب می‌کند تا عدد به نصاب خود برسد و قابل قسمت بر ۱۹ شود و در سوره مریم اگر حرف «کاف» را از میان حروف مقطعه بررسی کنیم تعداد تکرار به حد نصاب نمی‌رسد (همان).

یکی دیگر از ادعاهای ایشان این بود که در سوره‌های حروف مقطعه دار تعداد تکرار آن حروف از تعداد تکرار آنها در سوره‌های دیگر بیشتر است اما این مطلب

هم کلیت ندارد. مثلاً در سوره «یس» مطلب کاملاً برعکس است، یا تعداد حرف «نون» در سوره حجر بیشتر از تکرار آن در سوره قلم است. (همان، ۶۵) البته ایشان در این گونه موارد دست به توجیهاتی می‌زنند که بیشتر به دست و پا زدن غریق شبیه است.

یکی از نقادان جدی تئوری رشاد خلیفه، حسین ناجی محمد است. او در کتاب خود، التسعه عشر ملکا هفت جمله ابداع کرد که همه از ۱۹ حرف تشکیل شده بود مجموع این حروف در این هفت جمله ۱۳۳ بود که مضرب ۱۹ می‌شد (۱۹×۷). مجموع لام‌ها در ۷ جمله ۱۹ عدد بود، بنابراین آیا صرف تناسب عددی می‌تواند حقانیت این جملات را ثابت کند؟ برخی از این هفت جمله‌ها از این قرارند:

۱. لا بعث و لا حساب و لا جهنم (۱۹ حرف و ۳ لام دارد)
۲. لاصراط و لاجنه و لانعیم (۱۹ حرف و ۳ لام دارد)
۳. مهندس الكون الرب ابلیس (۱۹ حرف و ۳ لام دارد)
۵. الجنه و النار اكدوبتان (۱۹ حرف و ۲ لام دارد)
۷. رقم تسعه عشر رمز لابلیس (۱۹ حرف و ۲ لام دارد) (ناجی محمد، ۱۴۰۵:ق: ۷۸)

۳-۱-۲. نقد ادعای تحریف قرآن

دلایلی که آقای رشاد خلیفه آورده مبنی بر دروغین بودن دو آیه آخر سوره توبه قابل نقد بوده و باطل است. اول اینکه صرف اینکه تعداد تکرار یک کلمه در قرآن قابل قسمت بر ۱۹ نباشد دلیل نمی‌شود که تحریفی در قرآن صورت گرفته باشد. چه بسا این بنا از اساس باطل باشد. اما اینکه این دو آیه فقط نزد خزیمه یافت شد و هیچ کس دیگر از آن اطلاع نداشت، درست نیست بلکه این دو آیه به صورت مکتوب نزد خزیمه یافت شد و دیگر صحابه آن را از حفظ داشتند (زرقانی، ۱۴۱۶:ق: ۱، ۲۰۴). این نظر بنا بر این است که جمع قرآن را پس از پیامبر بدانیم، اما بنا بر توقیفی بودن چینه فعلی قرآن که نظر بسیاری از دانشمندان مسلمان است. روایت مورد نظر از اساس مردود است. پس اشکال مطرح شده

هم خود بخود دفع می‌شود (خویی: ۲۴۰-۲۵۷). ادعای جعل این حدیث که شهادت خزیمه مساوی شهادت دو نفر است مقبول نیست چون خزیمه قبل از آن معروف به ذوالشهادتین بود و کسی ادعای جعل حدیث درباره او نکرده است. اما اینکه آیات مکی نمی‌تواند در کنار آیات مدنی قرار گیرد بی‌دلیل است، هر چند که این مساله موافقان و مخالفانی دارد اما اصل مکی بودن این دو آیه نیاز به اثبات دارد. سیوطی می‌گوید: چگونه قبول کنیم دو آیه آخر توبه مکی هستند در حالی که اینها از آخرین آیاتی است که بر پیامبر نازل شد (سیوطی، پیشین، ۴۸/۱). همچنین وی از ابی بن کعب نقل کرده که می‌گفت این دو آیه آخرین آیه است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ب، ۲۹۶/۳).

۳-۳-۱-۳. نقد ادعای رسالت و تعیین زمان قیامت

در جواب این ادعا باید گفت که این فقط یک ادعای باطل است و دلیلی منطقی و عقلانی بر آن وجود ندارد. آقای رشاد خلیفه با این ادعاهایش در واقع بر خلاف نص صریح قرآن و سنت پیامبر (ص) رفتار کرده است، چون خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و پوشیده بودن زمان دقیق وقوع قیامت از ضروری‌ترین مسائل اسلامی است که در قرآن و سنت به آن تصریح شده است. (طوسی بی تا: ۴۷/۵؛ طبرسی، پیشین، ۵۷۵؛ ابن عاشور، ۱۳۹۳ق: ۳۷۷/۸)

۳-۳-۱-۴. اتهام بهایی‌گری به رشاد خلیفه

برخی از ناقدین رشاد خلیفه، او را متهم به بهایی‌گری و داشتن رابطه با بهایی‌ها و یهودیان کرده‌اند (ناجی محمد، پیشین، ۲۷). عدد ۱۹ در فرقه بهائیت یک عدد مقدس و عدد رمز و سرّ است (همان). میرزا محمدعلی باب، مؤسس این فرقه کتابی تألیف کرد که ۱۹ بخش داشت و هر بخشی ۱۹ قسمت داشت. هر سال نزد بهاییان ۱۹ ماه و هر ماه ۱۹ روز است. ماه روزه نزد ایشان، ماه نوزدهم است و نوزده روز روزه می‌گیرند. تعداد رکعات نماز آنها ۱۹ رکعت است. مهر زوجه آنها کمتر و بیشتر از ۱۹ مثقال طلا نیست (همان و هیتو، ۱۴۱۲ق: ۳۰۳). احکامی هم

که در بین آنهاست همه به نحوی اشاره به عدد ۱۹ دارد و بر مبنای آن تنظیم شده است (همان). وقتی محمد علی باب توانست ۱۸ نفر را دور خود جمع کند، آنها را «حی» نامید. این کلمه به حساب جمّل ۱۸ می‌شود. (همان، ۳۰۲) سپس یکی هم خود به آن اضافه کرد و مجموع ۱۹ شد. پس او عدد ۱۹ را رمز هر چیزی قرار داد (همان، ۳۰۳).

۳-۱-۴. مدافعان تئوری رشاد خلیفه

در مقابل کسانی که نظریه رشاد خلیفه را رد می‌کردند یا آن را قابل نقض می‌دانستند افرادی هم از نظریه او دفاع کرده و خواسته‌اند اتهاماتی که به او و نظریه‌اش وارد شده را جواب دهند. از جمله آقای محمود احمدی در کتاب *اعجاز عددی قرآن کریم* و رد شبهات کوشش نموده تا اشکالاتی که بر اعجاز عددی و محاسبات رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل شده را جواب دهد.

از دیگر افراد در این زمینه، بسام نهاد جرار است. او در کتاب *خطاهای رشاد خلیفه* را گوشزد می‌کند اما اصل معجزه بودن رقم ۱۹ را حفظ می‌کند و تا جایی که می‌تواند از تئوری رشاد خلیفه دفاع می‌کند (نهاد جرار، ۱۴۱۴ق: ب، ۲۶).

از کسانی که باز بر عدد ۱۹ پافشاری می‌کنند، طلحه جوهر است. او در کتاب خود *آیه بسم الله الرحمن الرحیم* را با آیه ۳۰ سوره مدثر مقایسه می‌کند و سعی در برقراری رابطه بین این دو آیه بر اساس عدد ۱۹ می‌کند. وی وجود این رابطه را حقیقتی غیر قابل مجادله می‌داند. (جوهر، ۱۴۱۸ق: ۲۱-۳۸). وی در ادامه ارتباط عددی بین بسمله و کلمات آیات سوره فاتحه و سایر آیات قرآن را بررسی می‌کند و تلاش می‌کند عدد ۱۹ را به عنوان عدد رمز در این ارتباط قلمداد کند.

از دیگر کسانی که از تئوری رشاد خلیفه دفاع کرده اند، لیب بیضون است. او خطاهای رشاد خلیفه را به نحوی توجیه می‌کند و سعی در ترمیم تئوری او دارد (بیضون، پیشین، ۲۱۳). مثلاً در پاسخ اشکالی که به این تئوری شده مبنی بر این که رشاد خلیفه ادعا می‌کند کلمه (اسم) ۱۹ بار در قرآن آمده اما در واقع این کلمه ۲۲ بار تکرار شده است، می‌گوید:

کلمه «اسم» به صورت مهموز ۱۹ بار در قرآن آمده و «بسم» ۳ بار. اما در سه مورد این کلمه را حساب نمی‌کنیم:

۱. بئس الاسم الفسوق بعد الايمان (حجرات، ۱۱)

۲. ولا تاكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه (انعام، ۱۲۱)

۳. ... والانعام لا يذكرون اسم الله عليها... (انعام، ۱۳۸). که در دو مورد اخیر بخاطر این است که کلام منفی می‌باشد (همان). در جایی هم می‌گوید: تعداد حروف بسمله ۱۹ و تعداد حروف خمسه طيبه (محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین) نیز ۱۹ است (همان، ۲۰۷). روایتی نیز نقل می‌کند که نشان دهنده سابقه و اهمیت عدد ۱۹ می‌باشد. نقل شده که امام علی (ع) در هر جنگی که پیش می‌آمد لوحی درست می‌کرد و برگرد آن حروف بسمله را در ۱۹ بخش می‌نوشت و در کنار هر بخش نامی از نام‌های نیکوی خداوند را که موافق آن حرف بود می‌نوشت و با آن به خدا تقرب می‌جست و از او یاری می‌طلبید و خدا نیز او را نصرت می‌داد (همان، ۲۱۰).

هم چنین از ابن مسعود نقل می‌کند که هر کس می‌خواهد که خدا او را از زبانه نوزده گانه نجات دهد پس بخواند «بسم الله الرحمن الرحيم» را چرا که آن (بسمله) ۱۹ حرف است. تا خدا هر حرفی از آن را سپری در مقابل یکی از آنها قرار دهد (همان). هم چنین ایشان مطلبی از قاضی عیاض نقل می‌کند که او در کتاب خود، متن الشفا فی شرف المصطفی، گفته: «حروف بسمله مکتوب ۱۹ حرف است و عدد خزنه آتش نیز ۱۹ می‌باشد» (همان) او با این حرف خواسته بگوید که عدد ۱۹ از اختراعات رشاد خلیفه نبوده است.

۳-۲. اعجاز عدد ۷

برخی از قائلین به اعجاز عددی قرآن طریقه رشاد خلیفه را نپذیرفته و نظریه او را که عدد ۱۹ عدد رمز در قرآن باشد به شدت رد می‌کنند و عدد دیگری پیشنهاد می‌کنند. عمر النجدی از جمله این افراد است. او در کتاب خود، معجزه القرآن الجدی، در رد رشاد خلیفه می‌گوید:

«انصراف اعجاز عددی به عدد ۱۹ حاصل خیال مریض و نظر تنگ و قاصر است که به عددی که در «سوره مدثر» وارد شده جمود پیدا کرده و ندانسته که این عدد (۱۹) اشاره به چه می‌باشد (النجدی، ۱۹۹۴: ۲۰۸). او در ادامه عدد ۷ را به عنوان عدد رمز قرآن معرفی می‌کند و در طول کتابش به اثبات نظریه خود می‌پردازد. در پایان هم برخی احکام فقهی از مناسبات عددی را نتیجه گیری می‌کند (همان، ۳۱۷)

از دیگر قائلین به اعجاز عدد ۷، عبدالدائم الکحیل می‌باشد. وی در ذیل آیه ۱۲ سوره طلاق می‌گوید: این آیه از اهمیت عدد ۷ در بنای نظام وجود سخن می‌گوید. خداوند ما را به ۷ بار طواف دور کعبه، ۷ بار سعی بین صفا و مروه، ۷ بار رمی ابلیس، سجده بر ۷ عضو امر کرده است. بنابراین حکمت الهی اقتضا کرده که عدد ۷ برای اساس نظام وجود و نظام عبادات اختیار شود (کحیل، ۱۴۲۷ق: ۳۹).

وی در تایید نظریه خود می‌گوید:

اولین عددی که در قرآن ذکر شده عدد ۷ است. (آیه ۲۹ سوره بقره) عدد ۷ پس از عدد ۱ بیشترین تکرار را در قرآن دارد. اولین سوره قرآن سبع المثانی است که ۷ آیه دارد. تعداد درهای جهنم ۷ است و جهنم ۷۷ بار در قرآن ذکر شده است ($11 \times 7 = 77$). تعداد حروف ابجد در زبان عربی که قرآن به آن نازل شده است ۲۸ عدد است که مضربی از عدد ۷ است (همان، ۴۰). عدد ۷ عدد اول است که فقط بر خودش قابل قسمت است. و این دلالت بر وحدانیت خدا دارد (همان، ۹۰).

این عدد اولین بار در سوره بقره آیه ۲۹ و آخرین بار در سوره نبأ آیه ۱۲ آمده است. عدد سوره ها از بقره تا نبأ ۷۷ می‌باشد ($11 \times 7 = 77$). و عدد آیات از اولین بار تا آخرین بار ۵۶۴۹ است که مضربی از عدد ۷ است ($807 \times 7 = 5649$) (همان، ۴۰).

او با شمارش تعداد حروف کلمات در آیات مختلف و قرار دادن آنها در کنار هم عددی را به دست می‌آورد که بر ۷ قابل قسمت است و از همین جا نتیجه گیری می‌کند که این یک اعجاز قرآنی است. به عنوان مثال در باره ارتباط اولین و آخرین آیه می‌گوید: اولین آیه

(بسم الله الرحمن الرحيم) است اگر شماره تعداد حروف کلمات آن را اگر کنار هم قرار دهیم، (بسم الله الرحمن الرحيم) عدد ۶۶۴۳ به دست می‌آید که مضربی از عدد ۷ است (۶۶۴۳=۹۴۹×۷). آخرین آیه (من الجنة و الناس) است که اگر شماره تعداد حروف آن را هم کنار هم قرار دهیم (من الجنة و الناس) عدد ۵۱۵۲ به دست می‌آید که مضربی از عدد ۷ است (۵۱۵۲=۷۳۶×۷) (همان، ۴۲).

محمد سعید عبدالقادر از افراد دیگری است که به اعجاز عدد ۷ معتقد است. او دامنه اعجاز عدد ۷ را منحصر در قرآن نمیداند بلکه معتقد است در حدیث و سنت نبوی هم این مساله ثابت است. وی در کتاب خود مواردی را که عدد ۷ یا مضربی از آن آمده را ذکر کرده و در پی اثبات معجزه بودن آن بر می‌آید (عبدالقادر بی تا: ۱۷۳-۴۵۵). او آیاتی از قرآن را انتخاب می‌کند که شماره آن‌ها ۷ است و پیرامون آن‌ها توضیح می‌دهد اما بیان نمی‌کند که آن آیات چگونه معجزه بوده و با عدد ۷ مرتبط می‌باشد (همان: ۲۶۵-۲۷۷). وی آیاتی را که از ۷ کلمه تشکیل یافته آورده و در باره آنها توضیح می‌دهد ولی باز رابطه آنها را با عدد ۷ بیان نمی‌کند (همان: ۲۴۹-۲۸۱). همچنین سوره‌هایی که نام آنها از ۷ حرف مرکب است را می‌آورد و آن را نیز نوعی اعجاز عدد ۷ قلمداد می‌کند (همان: ۲۵۳).

ابن خلیفه علیوی از دیگر قائلین به اعجاز عدد ۷ است. وی تحقیقی در باره اوامر قرآن کریم انجام داده و بر این نظر است که ۹۰ درصد اوامر قرآن سباعی، ثلاثی یا آحادی است (علیوی، ۱۴۰۳ق: ۷). وی دامنه این بحث را به روایات نیز می‌کشاند.

۳-۲-۱. نقد اعجاز عدد ۷

در این نظریه بیشتر بر استحسان و اعمال سلیقه شخصی تکیه شده تا پیروی از یک قانون علمی و ثابت. آیاتی هم که ادعای اعجاز در باره آنها شده گزینشی هستند، بنا بر این نشان دهنده یک قانون فراگیر در کل قرآن نیست. چه بسا اگر آیات دیگری مورد کنکاش قرار گیرد این نظریه دچار چالش شود. برخی از این موارد به قدری سست است که آوردن آن‌ها

نه تنها باعث تایید نظریه نمی شود بلکه آن را متزلزل می سازد.

۳-۳. نظریه تناسب عددی در آیات قرآن

فرد دیگری که به مطالعه درباره اعجاز عددی قرآن پرداخته است آقای عبدالرزاق نوفل می باشد. او سعی کرده واژه هایی از قرآن را که در یک حیطه معنایی قرار دارند یا احیاناً معنایی در مقابل هم دارند شمارش کند. به نظر او این اعداد در باره معانی یا واژه هایی که در مقابل هم قرار دارند به یک اندازه است. به عنوان نمونه: کلمه «دنیا» و کلمه «آخرت» هریک ۱۱۵ مرتبه در قرآن تکرار شده است (نوفل پیشین، ۷). یا لفظ «حیات» و مشتقات آن ۱۴۵ مرتبه و لفظ «موت» و مشتقاتش نیز ۱۴۵ مرتبه تکرار شده است (همان، ۱۸). کلمه «زکات» ۳۲ مرتبه و کلمه «برکت» نیز ۳۲ مرتبه تکرار شده است (همان، ۱۵۲). کلمه «صوم» ۱۴ بار و کلمه «صبر» نیز ۱۴ بار تکرار شده است. واژه «رجس» ۱۰ مرتبه و کلمه «رجز» نیز ۱۰ مرتبه آمده است (همان، ۴۹). کلمه «شهر» (ماه) ۱۲ مرتبه تکرار شده است (همان، ۲۴۹). کلمه «یوم» ۳۶۵ مرتبه تکرار شده است. «ایام» ۲۳ مرتبه، «ایاماً» ۴ مرتبه و «یومین» ۳ مرتبه که جمعاً ۳۰ می شود. (همان) (عدد روزهای ماه)

۳-۳-۱- نقد نظریه تناسب عددی آیات

تناسبی که آقای عبدالرزاق نوفل برای واژه های قرآن در نظر گرفته است از جهاتی قابل اشکال است:

۱. معلوم نیست که برخی از این شمارش ها صحیح باشد. مثلاً آقای عبدالرزاق نوفل واژه های «حیات و موت» را هریک ۱۴۵ مرتبه شمارش کرده است ولی آقای احمد عبدالوهاب آنها را ۱۶۵ عدد گزارش می کند (عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ق: ۶۰).
۲. بین برخی واژگان ارتباط مفهومی روشنی وجود ندارد. مثلاً بین واژه «بعث» و «صراط» که با هم مقایسه شده اند ارتباط معنایی خاصی مشاهده نمی شود (نوفل، پیشین، ۳۱). یا بین لفظ «فرقان» و «بنی آدم» رابطه قابل توجهی وجود ندارد و بهتر بود لفظ فرقان را با لفظ «قرآن» مقایسه می کرد.

۳. در برقرار ساختن ارتباط بین دو واژه تکلف وجود دارد. مثلاً در مورد واژه «صالح» و «صالحات» می‌گوید که این واژه ۱۸۰ مرتبه آمده است، اما در مقابل آن، کلمه «سیئات» (مشتقات سوء) ۱۶۷ مرتبه آمده است که ۱۳ مرتبه کمتر است. او برای حل مشکل ۹ مورد که اسم علم است و ۴ مورد که به معنی معالجه است را از واژه صالح کم می‌کند و جمعاً ۱۳ مورد می‌شود (همان، ۳۵). با این حساب تعداد تکرار دو واژه برابر می‌شود. ایشان در مورد واژه ایمان و کفر می‌گوید که هریک ۲۵ مرتبه در قرآن آمده است اما از نظر مشتقات باهم تفاوت دارند. کلمه ایمان با مشتقاتش ۸۱۱ مرتبه و کلمه کفر با مشتقاتش ۵۰۶ مرتبه تکرار شده است. کلمات مرادف با کفر (ضلال) با مشتقاتش ۱۹۱ مرتبه تکرار شده

است. $۵۰۶ + ۱۹۱ = ۶۹۷$. حال اگر

این عدد (۶۹۷) را از ۸۱۱ کم کنیم عدد ۱۱۴ باقی می‌ماند که تعداد سوره‌های قرآن است. بعد هم می‌گوید: این به معنی آن است که ایمان، عمل به قرآن است (همان، ۸۸).

از اشکالات عمده ایشان در

این باره گزینشی عمل کردن و

مقصود از اعجاز عددی قرآن، وجود نوعی رابطه و نظم ریاضی در سراسر قرآن است که اثبات می‌کند یک انسان بی‌سواد و درس‌نخوانده توان خلق قرآن با این نظم را ندارد بلکه قدرتی فوق بشری در آن دخیل بوده و به آن احاطه داشته است. همان گونه که از خود اصطلاح بر می‌آید در آن، رابطه و محاسبات عددی به کار رفته است.

اعمال سلیقه در انتخاب واژگان و تعداد آنهاست. آقای نوفل می‌گوید: راه دستیابی به این راز (تناسب عددی آیات) نیاز به مدد و یاری خدای سبحان دارد (همان، ۱۶۷).

از افرادی که همین راه را پی گرفته و در صدد کشف تناسب عددی واژه‌های قرآن است آقای ابو زهرا النجدی است. او می‌گوید: بر اثر تلاش فراوان و شب‌زنده‌داری، درهای رحمت الهی بر من گشوده شد و به حقایق مهمی از اعجاز قرآن دست یافتم (نجدی، ۱۴۱۰ق: ۷۰). وی

از تعداد الفاظ تکرار شده در قرآن که مناسبتی با لفظ دارند اعجاز قرآن را نتیجه می‌گیرد. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

مثلا آسمان ها با عدد هفت مرتبط است و هفت مرتبه «سماوات» با کلمه «سبع» آمده است (همان، ۷۵). یا لفظ «صلوات» پنج مرتبه در قرآن آمده که مطابق عدد نمازهای پنجگانه است (همان، ۷۸). یا فعل «اقم» یا «اقیموا» که همراه «صلاه» آمده ۱۷ مرتبه است و مطابق تعداد رکعات نمازهای یومیه است (همان، ۸۳). همچنین لفظ «امام» و مشتقاتش ۱۲ مرتبه در قرآن آمده که مطابق ائمه و خلفای پس از پیامبر (ص) است (همان، ۹۰).

وی تاکید ویژه‌ای روی عدد ۱۲ دارد و موارد متعددی ذکر می‌کند که الفاظی که مناسبتی با مقام و جایگاه ائمه شیعه (ع) دارد ۱۲ مرتبه در قرآن تکرار شده است. واژه سجده در قرآن ۳۴ مرتبه آمده که اشاره به ۳۴ سجده‌ای است که در ۱۷ رکعت نماز یومیه به جا آورده می‌شود (همان، ۷۴). البته تعداد در واقع، ۳۵ مرتبه است ولی ایشان آیه «والنجم و الشجر یسجدان» (الرحمن / ۶) را به حساب نمی‌آورد، چون آیه راجع به سجده غیر عاقل است.

در جواب ایشان فقط به مورد اخیر بسنده می‌کنیم. اگر بحث بر سر مفهوم سجده است که در تمام موارد ۳۵ گانه یکی است و اگر این گونه است که ایشان می‌گویند در آیه «ولله یسجد ما فی السموات و ما فی الارض» (نحل / ۴۹) که لفظ «ما» عموم موجودات زمینی و آسمانی را شامل می‌شود چه باید گفت؟ پس سجده غیرعاقل از دید قرآن امری معقول است چنانکه قرآن تسبیح را برای تمام موجودات ثابت می‌کند (یزدانی، پیشین، ۷۷). بنابراین ملاحظه می‌شود که باز اعمال سلیقه وجود دارد و نظریه یک روش مشخص و منطقی را سیر نمی‌کند.

۳-۴. نظریه سیستم عددی قرآن

سیستم آیات الهی نام کتابی است که در باره نظم ریاضی آیات قرآن نگاشته شده و یک سیستم عددی برای آیات قرآن قائل شده است. مؤلف کتاب می‌گوید: «برای فهم عمیق‌تر آیات قرآن باید بدانیم که آیه مورد نظر با چه آیاتی پیوند پیدا می‌کند و اصولاً این پیوند تابع چه ضابطه‌ای می‌باشد» (اعرابی هاشمی، ۱۳۶۸: ۵) سپس می‌گوید: «این ضابطه براساس سیستم

عددی می‌باشد». وی ضابطه را این گونه بیان می‌کند: «پیوند آیات در قرآن از مشترکاتی است که در پایان آیات به طرف اول آنها قرار داده شده است. این مشترکات در بالاترین حروف پایانی آنها می‌باشد. مشاهدات عینی در قرآن مجید نشان می‌دهد که بالاترین حروف مشترک مابین آیات در پیوند آیات با یکدیگر و تقسیم‌بندی موضوعات و رفع مبهمات و مجهولات، ارتباط مستقیم دارد. از این طریق، یک مجموعه جهت دار ایجاد می‌شود که تشکیل دهنده یک ارگانیزم خواهد بود.» (همان) روش این کتاب در مورد بیشترین مشترکات آخر آیات با یکدیگر است. مؤلف در این کتاب مواردی را معین می‌کند که پیوند آیات قرآن با توجه به آن، کمک‌هایی در جهت فهم فرهنگ قرآن می‌نماید.

این موارد بدین قرارند:

۱. مجهولات را معلوم می‌سازد.
۲. موضوعات را تقسیم بندی می‌کند.
۳. مجموعه عناصر یک موضوع را به دست می‌دهد.
۴. مسائل فقهی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
۵. احادیث صحیح را در قرآن اثبات می‌کند.
۶. قانون ترتیب را مشخص می‌کند (همان، ۷).

در این طرح دو یا چند آیه با هم مقایسه می‌شوند. در کنار هر آیه دو عدد داخل پرانتز می‌باشد که عدد سمت چپ شماره سوره و عدد سمت راست شماره آیه می‌باشد. آیه‌ای که با علامت ستاره (*) مشخص شده بر اساس ترتیب قرآنی آن است. آیه یا آیاتی که زیر این آیه قرار می‌گیرند آیاتی هستند که بیشترین حروف مشترک پایانی را با آیه اول دارا می‌باشند. تعداد حروف مشترک پایانی با یک عدد داخل پرانتز، بالای آیه ستاره‌دار مشخص شده است. این اشتراک در تعداد حروف پایانی نشان دهنده نوعی ارتباط بین آیات می‌باشد. آیاتی که به این صورت دسته

بندی شده اند آیات منحصر به فرد در تمامی قرآن مجید هستند و دیگر آیه یا آیاتی نیست که دارای این خصوصیت ریاضی بوده باشند. (همان)
به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. ایجاد مجموعه عناصر یک موضوع

آیه سوره نبا به آیات دیگر این سوره؛ بیشترین اشتراک در ۲ حرف است (د-ا) (مهادا-اوتادا-شدادا-مرصادا). آیه ۸۹ سوره مریم به حسب ظاهر با آن تناسبی ندارد اما با ملاحظه آیات دیگر این سوره معلوم می‌شود که آیات آن سوره در مورد مجموعه قبلی (سوره نبا) (ارض - جبال - سموات - جهنم) گفتگو می‌کند. آیات سوره مریم (۸۶-۹۰): (وردا-عهدا-ولدا-ادا-هدا)، (جهنم-سموات-ارض-جبال)

۲. اثبات احادیث صحیح در قرآن

حدیثی در نهج البلاغه آمده است که: «الجهاد منها علی اربع شعب: علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر والصدق فی المواطن و شنآن الفاسقین» (سیدرضی، ۶۲۸: ۱۳۷۹) «جهاد چهار شعبه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه نبرد و کینه و دشمنی با فاسقان.» در این حدیث بین جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ارتباط برقرار شده است، در حالی که به نظر می‌رسد بین آنها ارتباطی وجود نداشته باشد. وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر هیچگاه در یک آیه جمع نشده‌اند. پس چگونه بین آیات آنها ارتباط برقرار می‌شود. حال وقتی آیات را کنار هم می‌گذاریم مشاهده می‌شود که بین امر به معروف و نهی از منکر با جهاد ارتباط برقرار می‌شود (اعرابی هاشمی، پیشین: ۱۱).

نقد نظریه سیستم عددی

در این نظریه هم مشاهده می‌شود که آیات به صورت گزینشی انتخاب و مقایسه می‌شوند. حروف مشدد و تنوین به صورت واقعی لحاظ نمی‌شوند. در واقع قضاوت بر اساس ظاهر حروف است نه صورت واقعی آنها. بین حروف هم شکل فرق گذارده نمی‌شود، مثلاً

همزه با تنوین فرق دارد ولی به یک صورت آورده شده است .

از اشکالات اساسی این روش آن است که نویسنده کتاب اطلاعات بسیار اندکی از زبان عربی و معانی آیات و تفسیر آنها دارد. صرف اینکه حروف پایانی آیاتی با هم مشترک باشند دلیل نمی‌شود که آنها در یک موضوع وارد شده باشند. اینها بیشتر به بازی و سرگرمی شبیه است تا استنباط از آیات الهی. همانطور که مشاهده شد در برقراری ارتباط بین چند آیه با هم به صرف اینکه حروف پایانی آنها با هم یکی است، معلوم نیست این ارتباط چگونه برقرار می‌شود. اگر نویسنده این کتاب کمترین اطلاعی از زبان عربی داشت و می‌توانست الفاظ آیات را ترجمه کند می‌دید که ارتباطی مفهومی بین آن آیات برقرار نمی‌شود. نویسنده این کتاب پا را فراتر گذارده و با این روش احکام و مسائل فقهی را نیز ارزیابی می‌نماید. این ادعا به قدری سخیف است که ارزش پرداختن به آن را بیش از این مقدار ندارد. اگر کسی می‌خواهد بین آیات قرآن ارتباطی برقرار کند راه‌های مناسب متعددی وجود دارد و نیازی به این تکلف‌ها نمی‌باشد.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

نظریه اعجاز عددی بر نظریه توقیفی بودن رسم الخط فعلی قرآن استوار است؛ به این معنا که رسم الخط موجود با همین نظم و ترتیب به دستور پیامبر (ص) ثبت شده و هیچ گونه تغییری در آن داده نشده است. این نظریه طرفدارانی دارد اما عده بسیاری هم با آن مخالفند و منطوق قرآن را، و نه مکتوب آن را، توقیفی می‌دانند. طرفداران این نظریه به برخی نقل‌های تاریخی استناد کرده‌اند که پیامبر (ص) هم به نوشتن آگاه بود و هم می‌نوشت و در برخی موارد به عمد دستور می‌داد برخی از کلمات قرآن به شیوه خاصی نوشته شود. مثلاً دستور می‌دادن کلمه «بصطه» با «سین» نوشته نشود (قطنه، ۱۴۳۰ق: ۷۱).

در مقابل، مخالفان این نظریه معتقدند پیامبر تا آخر عمر چیزی نوشت و فقط آیات را بر کاتبان قرائت می‌کرد و آن‌ها می‌نوشتند. همچنین نقل شده که در زمان عثمان کاتبان در نوشتن برخی کلمات مانند تابوت اختلاف کردند و عثمان گفت با

(ت) نوشته شود. از طرفی رسم الخط مصاحفی که توسط عثمان به شهرهای مختلف فرستاده شد با هم اختلاف داشت. حال اگر رسم الخط توقیفی بود جایی برای این اختلاف ها و اجتهاد ها وجود نداشت.

برخی افراد سکوت و تقریر پیامبر را نسبت به عمل علمای یهود که در حضورشان از حساب حروف استفاده کردند دلیل رضایت و تایید آن حضرت از این کار دانسته اند (نهادجرار، بی تا: الف، ۵۴). در هیچ روایتی نیامده که پیامبر (ص) یا معصومین (ع) از این حساب استفاده کرده یا آن را در تفسیر قرآن به کار برده باشند. در مقابل روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که آن حضرت در پاسخ سوالی که علمای یهود از آن حضرت در باره ابتدا و انتهای قرآن پرسیدند فرمودند: ابتدای قرآن آیه بسم الله الرحمن الرحیم است و انتهای آن ابجد است. پرسیدند: تفسیر ابجد چیست؟ فرمودند: الف، آلاء الله است باء، بهاء الله است جیم، جمال الله است دال، دین الله است و (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹/ ۳۳۵). حضرت در این بیان تمامی حروف ابجد را این گونه تفسیر کردند و هیچ اشاره‌ای به مقدار عددی این حروف نکردند.

صرف وجود برخی مناسبات ریاضی و عددی در بین واژگان و آیات قرآن نیز نمی‌تواند حقانیت و غیر بشری بودن قرآن را ثابت کند. چه بسا در یک کلام نظم عددی باشد ولی محتوای آن کاملاً از نظر عقلی یا دینی مردود و باطل باشد. از طرفی نبودن نظم ریاضی و اعجاز عددی در قرآن ضروری به حقانیت قرآن وارد نمی‌کند. برخی گمان کرده‌اند قرآن چون از ناحیه خداوند است و خداوند جامع همه کمالات است پس کلام او نیز باید دارای همه کمالات از جمله نظم ریاضی باشد در صورتی که داشتن چنین انتظاری از قرآن ناجاست و چنین قیاسی باطل است.

در طرح این نظریه اعمال سلیقه‌های شخصی و استحسان، بسیار دیده می‌شود و همین، یافته‌ها را محل تردید و غیر معتبر می‌سازد. بنابراین اینگونه یافته‌ها از ارزش علمی برخوردار نیستند چون روش آنها علمی و منطقی نیست و بر اساس حدس و گمان صورت گرفته است و

خود قرآن آن را بی اعتبار می داند(ان الظن لا یغنی من الحق شیئا).

اگر باب اینگونه ادعاها باز شود، چه بسا بسیاری از مخالفان با اعداد و ارقام و نظم ساختگی، مطالبی برخلاف مقاصد قرآن و معارف و احکام دین را ثابت کرده و به دیگران عرضه کنند. مثلاً اگر کسی ادعا کند عدد ۱۹ عددی شیطانی و نماد بهائیت است و قرآن هم آن را تایید کرده است در جواب چه می توان گفت؟ این نظریه با ملاک نظم ریاضی و مناسبات عددی در پی اثبات حقانیت قرآن و تحریف ناپذیری آن برآمده است. درحالی که با همین معیار می توان عدم حقانیت و تحریف قرآن را ثابت کرد. آن گونه که رشاد خلیفه مدعی آن شد.

برخی از افرادی که دنبال چنین کاری رفته اند حتی از مقدمات اولیه فهم قرآن نیز بی اطلاع بوده اند. بنابراین کسی که می خواهد مطلبی و نظریه ای را به قرآن نسبت دهد باید ابتدا مقدمات فهم قرآن را کسب کند و با زبان قرآن آشنا شود پس از آن با احتیاط در مورد آن سخن گوید. در غیراین صورت مشمول این حدیث قدسی می شود که: «ما آمن بی من فسّر برایه کلامی» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۷/۱۸).

طرح نظریه اعجاز عددی به عنوان یک نظریه قطعی نه تنها خدمتی به قرآن نکرد بلکه باعث ضربه زدن به قرآن شد. در یک قضاوت منصفانه می توان گفت این نظریه در حد یک تئوری مطرح است و پر واضح است که از تبدیل یک تئوری تا قانون تخلف ناپذیر فاصله فراوان است وجود حتی یک مورد نقض در رد یک نظریه کافی است چه رسد که موارد متعدد باشد.

بهتر است به جای آنکه دنبال حدس و گمان باشیم ابتدا به سراغ خود قرآن برویم و ببینیم قرآن خود را چگونه کتابی معرفی کرده است. در هیچ جای قرآن نیامده که مردم باید چنین توقعی از قرآن داشته باشند. از طرفی قرآن خود را کتاب هدایت، سعادت و نور و شفای بیماری های روحی و معنوی معرفی کرده است نه کتاب ریاضی و معما. در کلام بزرگان دین نیز هیچ گاه به چنین مطلبی اشاره و توصیه نشده است.

با پذیرش مواردی از مناسبات عددی در قرآن به صورت موجه جزئیه این موارد از

غرائب قرآن می باشد چنانکه امام علی (ع) فرمودند: «لاتفنی عجائبه و لا تنقضی غرائبیه» (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۱۰). هیچ گاه عجائب قرآن پایان نمی یابد و غرائب و نکات ظریف آن تمام نمی شود. تناسب یا تناسب عددی داخل در باب لطائف و نکات بوده و تابع اعجاز بیانی و از مظاهر آن است نه این که خود مستقلاً بابتی در اعجاز قرآن باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۹۳ق)، *التحریر و التنویر*، بی جا: الدارالتونسیه للنشر.
۳. اعرابی هاشمی، عباس (۱۳۶۸)، *سیستم آیات الهی*، تهران: مرکز مطالعات و اشاعه فرهنگ قرآن، چاپ اول.
۴. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۵. بیضون، لیب (۱۴۲۵ق)، *اعجاز العددی فی القرآن*، بیروت: الموسسه الاعلی للمطبوعات، چاپ اول.
۶. حر عاملی، محمد (۱۴۱۲ق)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل البیت (ع).
۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱ق)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: انوار الهدی، چاپ هشتم.
۸. راسخی، فروزان (۱۳۷۸)، «ادبیات و خاستگاه تاریخی مکتب قباله»، *مجله هفت آسمان*، ش ۳.
۹. رافعی، مصطفی صادق (۱۹۷۴م)، *تاریخ الادب العربی*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۰. زرقانی، عبدالعظیم (۱۴۱۶ق)، *مناهل العرفان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۱. ستاره شناس، یوسف (۱۳۸۶)، «نقش عدد هفت در فرهنگ عرفانی یهود»، *مجله افق بینا*، س ۹، ش ۳۳.
۱۲. سید رضی (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات فرائض، چاپ اول.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ سوم.
۱۴. _____ (۱۴۰۴ق)، *الدر المثور فی تفسیر الماثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، بیروت: موسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
۱۷. جوهر، طلحه (۱۴۱۸ق)، *اعجاز العددی فی سوره الفاتحه*، دمشق: مکتبه الحکمه، چاپ اول.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

١٩. عبدالوهاب، احمد (١٤١٨ق)، المنظومات العددیه فی القرآن العظیم، قاهره: مکتبه وهبه، چاپ اول.
٢٠. علیوی، ابن خلیفه (١٤٠٣ق)، معجزه القرن العشرين فی کشف سباعیه و ثلاثیه لاوامر القرآن الکریم، دمشق: دار الایمان، چاپ اول.
٢١. فاتح حسنی، محمود (١٤٢٤ق)، الاعجاز العددی فی القرآن بین الحقیقه و الوهم، عما، چاپ اول.
٢٢. قطنه، اشرف عبدالرزاق (١٤٣٠ق)، رسم المصحف و الاعجاز العددی، دمشق: منار، چاپ اول.
٢٣. کحیل، عبدالدائم (١٤٢٧ق)، معجزه القرآن فی عصر المعلوماتیه، دمشق: چاپ دوم.
٢٤. مجلسی، محمد تقی (١٤٠٤ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
٢٥. عبدالقادر، محمد سعید (بی تا)، من معجزات القرآن الکریم، اسکندریه: منشاه المعارف، چاپ اول.
٢٦. رشاد خلیفه، محمد (١٩٩٥م)، قرآن آخرین کتاب آسمانی، کالیفرنیا: انتشارات تسلیم شدگان.
٢٧. ناجی محمد، حسین (١٤٠٥ق)، التسعه عشر ملکا، قاهره: الزهراء للاعلام العربی، چاپ دوم.
٢٨. نجدی، عمر (١٩٩٤م)، معجزه القرآن الجدیده، کویت: دار ابن قتیبه.
٢٩. نجدی، ابو زهراء (١٤١٠ق)، من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دمشق.
٣٠. نهاد جرار، بسام (١٤١٤ق)، اعجاز الرقم ١٩ فی القرآن، بیروت: الموسسه الاسلامیه، چاپ دوم.
٣١. _____ (بی تا)، ارهصات الاعجاز العددی، دار نون للابحاث و الدراسات، چاپ اول.
٣٢. نوفل، عبدالرزاق (١٤٠٧ق)، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ پنجم.
٣٣. هیتو، محمد حسن (١٤١٢ق)، المعجزه القرآنیه، الاعجاز العلمی والغیبی، بیروت: موسسه الرساله، چاپ چهارم.
٣٤. یزدانی، عباس (١٣٧٥)، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، مجله کیهان اندیشه، ش ٦٧.

موضوع ویڈیو ...

اخلاق فناوری اطلاعات

سخن دبیر پرونده



«اخلاق رایانه»، دبورا جی. جانسون / ترجمه عباس مهدوی



اخلاق فناوری اطلاعات / درگفتوگو با حسینعلی رحمتی



معرفی کتاب



سخن دیر پرونده



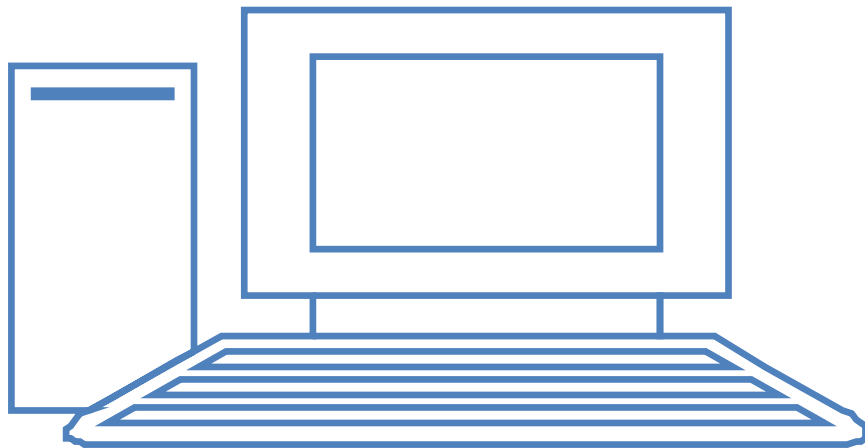
محمد حسین

اسفندیاری*

چند صباحی است که از ظهور تکنولوژی بر این پهنه خاکی می گذرد. «تخنه» ارسطویی که وظیفه تغییر طبیعت را به عهده داشت اینک به وضوح به مقصود خود نائل گشته، و نه تنها چهره طبیعت را دگرگون کرده است که چهره انسان را نیز. انسان پسامدرن عصر حاضر با سقراط برهنه پای دوران باستان، تفاوت های شگرفی دارد و این همه بیش از آنکه مدیون پیشرفت های متافیزیکی باشد (اگر اساساً قائل به پیشرفت متافیزیکی شویم)، تاثیر پذیرفته از برتری فیزیکی است. در دهه های اخیر آنچه تکنولوژی را به حد اعلای خود رسانده «رایانه» بوده که زندگی انسان امروز را به کلی متحول کرده است. با پیدایش اینترنت و انقلاب اطلاعات و ارتباطات، فصل جدیدی در زندگی انسان آغاز گشت. اینترنت بر همه عرصه های زندگی انسان امروز تاثیرات شگرفی گذاشته است.

* دانشجوی کارشناسی فلسفه، دانشگاه مفید.

اکنون که رایانه و اینترنت به بخش جدایی ناپذیر زندگی آدمی تبدیل شده و به «فرهنگ ناگزیر جای‌گزین» بدل گشته است، باید بدان توجهی ویژه معطوف داشت، مزایا و مضرات آن را سنجید و از جنبه‌های گوناگون، به ویژه از بعد اخلاقی، به کاوش در آن پرداخت. نکته این که شایسته و چه بسا بایسته است که هر فلسفه ورز و فلسفه‌خوان، به غور پیرامون مسائل اخلاقی اینترنت و به طور کلی فناوری اطلاعات پردازد، به بررسی آن دست یازد و از زوایای آن غافل نگردد. برخی از مسائلی که مباحث اصلی چنین کاوشی را تشکیل می‌دهد از این قرار است: کیفیت ارتباطات انسانی در فضای مجازی، حریم خصوصی، هویت مجازی و حقوق فکری - نگارشی پدید آورندگان. در اثر این تفحص، پاره‌ای این فناوری را چنان متعالی و مفید یافته‌اند که بسان مذهبی‌نو در برابر آن تعظیم کرده‌اند و دیگرانی آن را چنان مبتذل و ناکارآمد دانسته‌اند که به ستیز با آن کمر بسته‌اند. آنچه در پرونده علمی پیش رو تقدیم می‌شود احتجاج در برابر دو قطب افراطی مسئله و کاویدن و یافتن راه حل معتدل و منطقی در جهت زدودن رذایل اخلاقی اینترنت و پالایش و تصعید جنبه‌های مثبت و اخلاقی آن است. امید است که در نیل به این هدف و جلب توجه به عرصه مهم اخلاق فناوری اطلاعات موفق شده باشیم. در پایان لازم است از همه کسانی که برای تهیه مطالب این پرونده همکاری کرده‌اند تشکر و قدردانی نموده، دوام توفیقاتشان را از خدای بزرگ خواستار باشیم.



اخلاق رایانه*

دبورا جی. جانسون

ترجمه: عباس مهدوی^۱

فناوری رایانه مجموعه متنوعی از دغدغه‌ها و پرسش‌ها را پیش کشیده است. آیا حریم خصوصی به خاطر استفاده از فناوری رایانه از بین می‌رود؟ چه جهاتی از فناوری رایانه باید در تملک ما باشد؟ چه کسی اخلاقاً مسئول خطاهای نرم‌افزاری است زمانی که نرم‌افزار آنقدر پیچیده است که هیچ فردی نمی‌تواند کاملاً از آن سر در بیاورد و زمانی که آن خطاها منجر به تأثیرات فاجعه‌آمیز می‌شود؟ آیا استفاده از فناوری رمزدار کردن رایانه کشف جرم را غیر ممکن می‌سازد؟ آیا فناوری واقعیت مجازی (virtual

* Johnson, Deborah G., *Computer Ethics*, NJ.: Prentice-Hall, 3th. edn., ch. 1.

1. دانش‌آموخته فلسفه، دانشگاه مفید.

(Reality) افراد اجتماع را معتاد به عوالم خیالی می‌کند؟ آیا دموکراسی در مقیاس جهانی اینترنت کارگر می‌افتد؟ این پرسش‌ها نهایتاً به پرسش‌ها اخلاقی عمیق‌تری ختم می‌شوند درباره اینکه چه چیزی برای انسان‌ها خوب است، چه کارهایی در ازای دست‌یازیدن به چه منافعی ارزش خطر کردن دارد، چگونه میان آزادی و برابری تعادل برقرار می‌شود، و غیره. در میان عالمان اخلاق مرتبط با مسائل مطروحه در فناوری رایانه یک پرسش خصوصاً بحث‌برانگیز شده است. آیا مسائل اخلاقی فراگرد فناوری رایانه منحصر به فردند؟ برخی مدعی شدند که این مسائل با سایر مسائل اخلاقی‌ای که «اخلاق جدید» لازم دارد کاملاً فرق دارند. دیگران مدعی‌اند که مسائل اخلاقی پیرامون فناوری رایانه، تلویحاً و در اصل، مسائلی هستند که از قبل مطرح بودند و می‌توانند، دست‌کم، در کل توأم با مفاهیم و نظریات اخلاقی شناخته شده مورد بحث قرار گیرند.

مسئله منحصر به فرد بودن با سایر پرسش‌های مهم و مداوم در هم تنیده‌اند. چه چیزی درباره فناوری رایانه است که مسائل اخلاقی را پدید می‌آورد، نه درباره دوچرخه‌ها، تُسترها، لامپ‌ها؟ آیا حوزه جدیدی از تحقیق، با مواد درسی آکادمیک خاص خودش، مورد نیاز است تا مسائل اخلاقی پیرامون فناوری رایانه را بیان کند؟ آیا روش‌شناسی خاصی برای حل و فصل مسائل اخلاق رایانه نیاز است؟ در حالی که این مسائل به هم تنیده‌اند، مسئله منحصر به فردی به نظر می‌رسد حیاتی است. اگر ما می‌توانستیم چیز منحصر به فردی را درباره مسائل فراگرد فناوری رایانه تشخیص دهیم چه بسا این امر تبیین می‌کرد که چرا فناوری رایانه، برخلاف سایر فناوری‌ها، به مسائل اخلاقی پر و بال می‌دهد؛ چه بسا توجهی را فراهم می‌آورد برای ایجاد حوزه خاصی از تحقیق؛ و چه بسا پرسشی را درباره روش‌شناسی تشریح می‌کرد.

در مقاله حاضر من در پی آنم که استدلال کنم برای ادعایی که میان این ادعا که

مسائل اخلاق رایانه منحصر به فردند و این ادعا که مسائل اخلاق رایانه منحصر به فرد نیستند، قرار می‌گیرد. استدلال من بر دیدگاه‌های فرا اخلاقی بنا شده است. من معتقدم که

فناوری رایانه ابزاری (Instrumentation) را برای عمل انسانی فراهم می‌آورد و بدین ترتیب برای آدمیان ممکن می‌سازد تا انجام دهند آنچه را که نمی‌توانستند پیش از این انجام دهند و به شیوه‌های جدید انجام دهند. اگر به آنچه را که نمی‌توانستند پیش از این انجام دهند. اگر به تفصیل به این موضوع پرداخته شود، این برداشت نشان می‌دهد که مسائل اخلاقی رایانه انواع جدیدی از مسائل اخلاقی شناخته شده هستند. این انواع جدید خواصی دارند که نهایتاً معنای مفاهیم و نظریه اخلاقی را تغییر می‌دهند، اما نه تا بدان حد که این ادعا را توجیه کنند که نظام‌ها و مفاهیم اخلاقی کاملاً جدیدی بوجود آمده‌اند.

بخش دوم مقاله حاضر پیشینه‌ای را بدست می‌دهد برای پی‌گرفتن پرسش از اینکه آیا مسائل اخلاقی

رایانه منحصر به فردند. در بخش نخست تمرکز من بر فناوری به طور کلی است و از مثال‌های رایانه در جایی که مناسب بوده استفاده کرده‌ام اما دغدغه من فناوری است، نه فقط فناوری رایانه.

فناوری، اخلاق، و ابزار عمل انسانی

بسیار خوب است که با پرسش درباره ارتباط میان فناوری و اخلاق آغاز کنیم. چگونه فناوری می‌تواند برای اخلاق از اهمیت برخوردار باشد؟ پاسخ دارای دو جهت است.

بسیار خوب است که با پرسش درباره ارتباط میان فناوری و اخلاق آغاز کنیم. چگونه فناوری می‌تواند برای اخلاق از اهمیت برخوردار باشد؟ پاسخ دارای دو جهت است.

نخست، فناوری اغلب برای آدمیان این امکان را فراهم می‌آورد که کاری را انجام دهند که بدون آن نمی‌توانستند انجام دهند؛ این فکر که بمب‌های هسته‌ای می‌توانند نژاد آدمی را از بین ببرند، اینکه فضاپیماها انسان‌ها را به کره‌ی ماه می‌برند. فناوری می‌تواند امکانات جدیدی پدید آورد هم برای فعالیت‌های جمعی و سازمانی هم برای عمل فردی. ما شخصاً می‌توانیم انجام دهیم آنچه را که نمی‌توانستیم پیش از این انجام دهیم؛ مسافرت به مسافت دور با هواپیما، دسترسی به اطلاعات کتابخانه از منزل و اهدای اعضای مان برای پیوند. همچنین سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌توانند در مقیاس وسیعی رشد کنند و کارهای خودشان را با شیوه‌های پیچیده تنظیم کنند، با کمترین وابستگی به فضای جغرافیایی، با کارمندان کمتر، و با توانایی برای تولید انواع جدیدی از محصولات.

افزون بر این، فناوری برای افراد هم این امکان را فراهم کند تا کاری را انجام دهند که پیش از این نمی‌توانستند بدون آن انجام دهند، فناوری به ما این اجازه را می‌دهد تا کاری را انجام دهیم که پیش از این می‌توانستیم انجام دهیم، ولی به شیوه‌های جدید. ما می‌توانیم تا حدودی به همان فعالیت‌ها بپردازیم، مانند مسافرت کردن، کار کردن، ثبت کردن، سرگرم شدن، ارتباط برقرار کردن، و جنگیدن، و تا حدودی همان نوع کارها را اجرا کنیم، مانند خرید کردن، نوشتن جملات، نظارت بر کارمندان، محاسبه کردن، تحقیق درباره پدیده‌های طبیعی. با این حال، زمانی که ما این فعالیت‌ها و این سنخ کارها را با فناوری‌های جدید انجام می‌دهیم، فعالیت‌ها و انواع کارهای مان دارای خواص متفاوتی می‌شوند؛ خواصی که سرشت فعالیت یا سنخ عمل را تغییر می‌دهند. در نظر آورید عمل نوشتن با فناوری‌های متعدد را. زمانی که من با استفاده کاغذ و خودکار می‌نویسم خودکار روی کاغذ حرکت می‌کند؛ زمانی که من با استفاده از ماشین تایپ می‌نویسم، ابزارها و وسایل حرکت می‌کنند؛ زمانی که من با استفاده از رایانه می‌نویسم، حرکات الکترونیکی

شکل ظاهر (شکل‌بندی) ریزتراشه‌ها (Microchips) را تغییر می‌دهند. بنابراین، رخدادهای فیزیکی که به هنگام نوشتن ما بدون استفاده از فناوری‌ها محقق می‌شوند کاملاً با زمانی که از سایر فناوری‌های استفاده می‌کنیم، تفاوت دارد.

حال در نظر آورد تفاوت‌های موجود در عمل «خرید چیزی از مغازه» را زمانی که خرید با پرداخت مستقیم پول همراه است در مقایسه با پرداخت وجه از طریق کارت اعتباری. نه تنها رخدادهای فیزیکی که محقق می‌شوند متفاوتند، بلکه آن عمل ویژگی‌های متعددی هم دارد. زمانی که من با کارت اعتباری خرید می‌کنم، فیش به طور اتوماتیک صادر می‌شود، فیشی که می‌تواند با سایر فیش‌ها هماهنگ باشد. البته زمانی که با پول خرید می‌کردیم هم می‌توانست فیش صادر شود، ولی نه به این آسانی. تغییر ویژگی‌های فیزیکی سنخ جنبه‌های متعدد آن عمل را تسهیل و محدود می‌کند. پیش از کارت اعتباری، زمانی که خرید و فروش با پول رایج بود، فروشنده می‌بایست پول سکه‌ای یا کاغذی دریافت کرد، و می‌توانست برای معامله با نوشتن برگه رسید فیشی صادر کند، یک کپی از آن را برای خودش نگه دارد، و دیگری را به خریدار بدهد. نام خریدار و آدرس چه بسا روی رسید نوشته می‌شد یا نوشته نمی‌شد. با فناوری کارت اعتباری، درحالی‌که خریدار می‌تواند رسید کاغذی دریافت کند یا نه، دیگر ممکن نیست که فیشی صادر نشود. فیش‌ها به طور اتوماتیک و بدون زحمت صادر می‌شوند، فیش‌هایی که حاوی مشخصات خریدار هستند و به آسانی با سایر معاملات خریدار کنار هم گذاشته می‌شوند.

مسلماً، در روزگار معاملات پولی، پرسنل خرید و فروش می‌توانستند از نام و آدرس مشتری بپرسند. مالک فروشگاه می‌توانست از کارگران بخواهد تا از طریق فیش‌های خرید کالاهای خریداری شده، مشتریان را شناسایی کنند یا کالاها را با توجه به اینکه مشتریان شان کجا ساکنند و اغلب چگونه و چه زمانی چه چیزهایی خریداری کردند

مشخص کنند. با این حال، تعداد کارگران مانع از این کار بود (تا حدی که این ایده احتمالاً برای بیشتر مالکین فروشگاه عملی نبود). امروزه، ابزار استخراج داده‌ها این فعالیت را ممکن می‌سازد و بنابراین در هر خرید با کارت اعتباری این امکان وجود دارد. نکته این است که فناوری فعالیت‌ها و سنخ - عمل را دست‌خوش تغییر می‌کند به طوری که از جنبه‌ها مختلف یک عمل را تسهیل و محدود می‌کند.

تمایزی که من در اینجا قائلم شبیه تمایزی است که نظریه پردازان عمل میان انواع عمل و نشانه‌های عمل (Act - tokens) قائلند. نوع عمل قسمی از عمل است، به عنوان نمونه، مطالعه کتاب و پیاده روی، نشانه و نمونه خاصی از یک عمل است. نشانه عمل نمونه‌ای از نوع عمل است که با شخص خاصی محقق شده است، در زمان خاص و مکان خاص. به عنوان مثال، اسمیت *داستان دو شهر* (A Tale of Two Cities) را امروز در حالیکه روی صندلی قرمز نشسته بود در منزلش مطالعه کرد. نکته من این است که زمانی که فناوری در اجرای نوع عمل دخالت می‌کند، مجموعه جدیدی از نشانه‌های عمل ممکن می‌گردند. به عنوان نمونه، امروزه ممکن است «شطرنج بازی کنیم» در حالیکه روبروی صفحه رایانه نشسته ایم و از رایانه استفاده می‌کنیم. در عوض حرکت با دست در مکان‌های سه بعدی (واقعی)، با فشار یکی از کلیدهای صفحه کلید یا کلیک کردن روی موس مهره‌ها را حرکت می‌دهیم. یکی از رقبای بازی ممکن است انسان باشد یا نباشد. بنابراین، زمانی که انسان نوع عمل را با فناوری به اجرا در می‌آورد، مجموعه جدیدی از نشانه‌هایی (از نوع عمل) ممکن می‌شوند و این نشانه‌های عمل خواصی دارند که متمایز از سایر نشانه‌های همان نوع عمل هستند. در ادامه استدلال خواهم کرد که همانطور که فناوری رایج و رایج‌تر می‌گردد فهم ما از نوع عمل ممکن است تغییر کند. بنابراین، قدم اول در فهم ارتباط میان فناوری و اخلاق این است که ارتباط میان فناوری و عمل انسان را

به رسمیت بشناسیم. فناوری امکان های جدیدی برای عمل انسانی فردی و جمعی فراهم می آورد و خواص بسیاری از نشانه های عمل را تغییر می دهد. تغییر در خواص ممکن است جنبه های متعددی از نوع عمل را، تسهیل کند و/یا محدود کند و در نتیجه انسان انتخاب های مختلفی پیدا می کند.

برای پرهیز از سوء تفاهم، باید به این نکته توجه داشت که این ارتباط میان فناوری و عمل انسانی بی وقفه است. فناوری ابزاری برای عمل انسانی بدست می دهد. نه بیان این مطلب کافی است که فناوری عمل انسانی یا انسان ها را «تحت تأثیر قرار می دهد»، و نه بیان اینکه انسان ها «بر طبق فناوری عمل می کنند، فناوری ایجاد می کنند، یا از فناوری استفاده می کنند». فناوری تجهیزاتی برای عمل انسانی فراهم می آورد که بسیار شبیه اعضای بدن ما عمل می کنند. انسان ها با حرکت دادن اعضای شان به انحاء خاص عمل می کنند، و فناوری به ما این مکان را می دهد فعالیت مان را بیشتر کنیم و کارهایی را انجام دهیم، متفاوت از آنهایی که فقط با اعضای بدن مان می توانیم انجام دهیم. برای روشن شدن بحث «شخص معلول» را در نظر آورید. ابزاری که برای اعضای افراد «معلول» به کار گرفته می شوند متفاوت از ابزاری هستند که برای افراد «قوی بنیه» بکار گرفته می شوند. شخص معلول اغلب از فناوری استفاده می کند تا اعضای بدنش را به کاری وادارد که شخص «قوی بنیه» بدون فناوری می تواند انجام دهد. مثلاً حرکت کند، صداهای محسوس ایجاد کند، نشانه هایی روی کاغذ درج کند.

فناوری ابزار عمل انسان را تغییر می دهد، نه تنها برای شخص معلول، بلکه برای شخص قوی بنیه هم. در حقیقت، فناوری رایانه ابزاری برای عمل انسانی فراهم می آورد که حرکت های بسیار ساده را به اعمال بسیار قدرتمند بدل می کند. در نظر آورید حرکات انگشت روی صفحه کلید را که به زحمت قابل مشاهده است. زمانی که صفحه کلید متصل به رایانه است و رایانه متصل به اینترنت است، و زمانی که حرکات ساده انگشت ایجاد

ویروس رایانه‌ای می‌کنند، همان حرکات ساده انگشت می‌توانند در زندگی هزاران (حتی میلیون‌ها) نفر ویرانی به بار آورند. فناوری ابزار انجام کارهایی شد که انجام آنها بدون فناوری ممکن نبود. بدون شک، پیش از فناوری رایانه هم افرادی می‌توانستند در زندگی افراد دیگر ویرانی به بار آورند، اما نه بدین نحو، شاید، نه کاملاً به این راحتی.

بنابراین بازشناسی ارتباط عمیق میان فناوری و عمل انسانی مهم است تا انحراف مسئولیت انسانی در فعالیت‌هایی را که فناوری ابزاری برای آنها فراهم می‌آورد را متوقف کند، زمانی که امر خطایی واقع می‌شود. از این رو، هکر نمی‌تواند از مسئولیت در قبال ویروسی کردن کامپیوتر شانه خالی کند به دلیل اینکه او صرفاً انگشتانش را در حالیکه در اتاق تحقیقش نشسته بود حرکت داده است. فناوری مستقل از ابتکار عمل انسانی نیست، گرچه، البته، گاهی اوقات انسان‌ها نمی‌توانند پیش‌بینی کنند چه کاری با فناوری انجام می‌دهند. این ارتباط عمیق میان فناوری و عمل انسانی همچنین مهم است برای فهم مسئله «منحصر به فرد بودن» در اخلاق رایانه، اما این مسئله بعدها روش‌تر خواهد شد.

بنابراین، اول قدم در فهم ارتباط میان فناوری و اخلاق این است که از ارتباط میان فناوری و عمل انسانی سر در بیاوریم. قدم بعدی باید ما را از عمل انسانی به اخلاق برساند. این قدم به نظر واضح می‌رسد و که ارزش بیان دارد، زیرا اخلاق به عمل انسانی می‌پردازد. معهداً، این ارتباط ارزش پرسیدن بدین نحو را دارد: آیا این واقعیت که فناوری ابزاری است برای عمل انسانی دارای اهمیتی اخلاقی است؟ آیا ابزار عمل انسانی سرشت مسائل اخلاقی یا ماهیت تصمیم‌گیری اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ عموماً، فیلسوفان اخلاق به طور صریح بر ابزار عمل انسانی تمرکز نمی‌کنند. آنها ظاهراً انسان‌های قوی بنیه و جهان فیزیکی را توأم با طبیعت ثابت مسلم انگاشتند. غالباً، فیلسوفان اخلاقی به فناوری‌های جدید به عنوان امور اخلاقاً مهم نیاندیشیده‌اند. (البته، استثناهایی برای این

مسئله هم به لحاظ تاریخی و هم تازگی ها وجود دارد. به عنوان نمونه، هانس جونس (hans Jonas) (۱۹۸۴) ارتباط میان فناوری و عمل انسانی را بازشناسی کرد و تا آنجا پیش رفت که استدلال کرد نیروهای فناوری در عمل انسانی تغییر ایجاد می کنند به گونه ای که باعث تغییر در اخلاق می شوند. بله هواپیماها، تفنگ ها، بمب ها، رایانه ها، و دگرگونی وسیعی در ابزار های پزشکی، برخی از قدرتمندترین اکتشافات را یادآور می شوند، و همگی اینها تغییر داده اند آنچه را که انسان ها می توانند با حرکات اعضای شان انجام دهند و، به ویژه، تغییر داده اند آنچه را انسان ها می توانند با دیگری انجام بدهند. من مدعی نیستم که قوانین طبیعت و قوانین فیزیک تغییر کرده اند، جز اینکه فناوری در توانایی های انسان ها برای عمل کردن تغییر ایجاد کرده است.

ابزار عمل انسانی به دلایل مختلفی از اهمیت اخلاقی برخوردارند. نخست، امکان های جدیدی برای عمل انسانی توسط فناوری ایجاد شد که پرسش های اخلاقی ای بدنبال دارند که انسان ها تاکنون با آنها روبرو نشده اند. آیا ما باید تسلیحات هسته ای را گسترش دهیم و خطر جنگ هسته ای را قبول کنیم؟ آیا خطاست که از نرم افزار کپی برداری کنیم؟ آیا خطاست کوکی (cookie) را روی رایانه قرار دهیم زمانی که با رایانه وب سایتی را مشاهده می کنیم؟ (کوکی مکانیزی است که به وب سایت این امکان را می دهد شخصی را که در تماس با وب سایت است ردیابی کند. این مکانیزم می تواند بدون اجازه و آگاهی کاربر مورد استفاده قرار گیرد.) آیا ما باید اجازه بدهیم که بزرگراه های هوشمند ساخته شوند؟ (بزرگراه های هوشمند بزرگراه هایی هستند که می توانند زمان ورود و خروج یک ماشین، یا سرعت آن را ضبط کنند، و این اطلاعات می توانند در ارتباط با مالک ماشین باشند.)

دوم، زمانی که فناوری خواص نشانه های عمل را تغییر می دهد، سرشت اخلاقی نوع عمل ممکن است دستخوش تغییر شود. از اینرو، محیط های رایانه ای از ما می خواهند تا

فهم اخلاقی‌مان از فعالیت‌های متعدد و انواع عمل را بازاندیشی و دوباره ارزیابی کنیم. بله، عموماً برای کارفرما اخلاقاً پذیرفتنی است که

فناوری رایانه می‌تواند پرسش‌های اخلاقی جدیدی طرح‌کند، اما نسبت به منحصر به فرد بودن مسائل اخلاقی بی‌طرف است. «جدید» و «منحصر به فرد بودن» با هم فرق دارند.



کار کارگران را ردیابی کند، اما آیا این کار برای کارفرما اخلاقاً پذیرفتنی است که از نرم‌افزاری استفاده کند که به او این اجازه را می‌دهد تا کند هر کلیک کارگر بر روی دکمه‌ها یا ایمیل یا گشت زنی او در وب را هم ضبط و کنترل کند؟ زمانی که من پرونده‌های یک کابینت فلزی را طبقه‌بندی می‌کنم، باید طوری عمل کنم که از محرمانه بودن آن اسناد و مدارک محافظت کنم. زمانی که من شروع به ذخیره کردن این طبقه‌بندی‌ها در رایانه می‌کنم، باید در نظر بگیرم که چه چیزی برای مطمئن شدن از همان سطح از محرمانه بودن ضروری است. در حالیکه نظر سنجی‌های تلفنی چه بسا پیش از این اخلاقاً بی‌طرف بوده است، آنها ممکن است ندانند که امروزه به آسانی می‌توان اطلاعات بدست آمده را با اطلاعات دیگر درباره افراد مرتبط سازیم.

در پایان، تسهیل کردن و محدود کردن اوصاف فعالیت‌ها و انواع عملی که فناوری ابزاری برای آنها فراهم آورد به این معناست که افراد و سازمان‌ها ممکن است انتخاب‌هایی

داشته باشند که با آنهایی که آنها پیش از این داشتند فرق کنند. تأثیرات این تغییرات نیاز به ارزیابی اخلاقی دارد. به عنوان مثال، اینترنت فراگیر شدن اقتصاد جهانی را تسهیل می کند. این ممکن است در وفاداری ها، پیمان ها، و الزام هایی که افراد برای خودشان قائلند تغییر ایجاد کند. آیا تغییر برای بهتر شدن است یا این که تغییر، خوش بختی انسان را کاهش می دهد؟ آیا به چه میزانی از طریق اینترنت ممکن است نهادهای دموکرات بوجود آیند، به ویژه با توجه به این که آنها وابستگی کمی به محدوده جغرافیایی دارند؟ بنابراین، فناوری و اخلاق مرتبطند به طوری که فناوری ابزاری برای عمل انسانی فراهم می آورد و ابزار جدید ممکن است پرسش های اخلاقی ای را به دنبال داشته باشد که پیش از این مطرح نبوده اند. فناوری همچنین تغییر ایجاد می کند در خواص فعالیت ها و انواع عمل به گونه ای که مستلزم بازنگری های اخلاقی در آن فعالیت ها و انواع عمل هستیم. با این فهم از ارتباط میان فناوری و اخلاق، اکنون ما می توانیم پرسشی را بیان کنیم که میان عالمان اخلاق رایانه بحث برانگیز بوده است: آیا مسائل اخلاقی فراگرد فناوری رایانه منحصر به فرد هستند؟

شرح جنس - انواع

شرحی که من از ارتباط میان فناوری و اخلاق بدست داده ام اثبات می کند که فناوری رایانه می تواند پرسش های اخلاقی جدیدی طرح کند، اما نسبت به منحصر به فرد بودن مسائل اخلاقی بی طرف است. «جدید» و «منحصر به فرد بودن» با هم فرق دارند. عموماً آنهایی که منکر منحصر به فرد بودن مسائل اخلاقی رایانه هستند جدید بودن را در سطح خاصی از تحلیل بسیاری از مسائل اخلاقی رایانه انکار نمی کنند. آنهایی که منکر منحصر به فردی هستند با مقایسه کردن میان مسائل اخلاقی رایانه و سایر مسائل اخلاقی، یعنی، مسائل اخلاقی پیش یا مستقل از رایانه ها بحث را پی می گیرند. آنها معتقدند در طی قرن ها مسائل حریم شخصی، مالکیت، مسئولیت، و دسترسی رایج بوده اند. مفاهیم و اصول

شناخته شده به نظر می رسد محور مسائل اخلاقی رایانه باشند. با این حال، فناوری رایانه نخستین فناوری نیست که مفاهیم اخلاقی را به چالش می کشد. در نظر بیاورید دغدغه‌های تاریخی درباره حریم شخصی را که به موجب انتشار عکس‌ها در روزنامه‌ها، استراق سمع تلفنی (کنترل تلفنی)، دوربین‌های مخفی، و تازگی‌ها، آزمایش ژنتیک به وجود آمد. بنابراین، اینکه فناوری رایانه دغدغه‌های حریم خصوصی بسیاری را بوجود می آورد غیر طبیعی نیست، گرچه، البته، فناوری رایانه مسائل حریم خصوصی را افزایش می دهد. چیزی شبیه این را می توان درباره مسائل مالکیت فکری گفت. در نظر بیاورید فناوری‌هایی که به لحاظ تاریخی مفاهیم غربی مالکیت را به چالش کشیدند، به عنوان نمونه، الکترو مغناطیس (electro - magnetism)، ضبط صوت و تصویر را. در نظر بیاورید همچنین مجموعه پیچیده ای از مسئولیت را که فراگرد آسیب‌هایی طرح شد که به موجب فناوری‌های متعدد پدید آمدند، به عنوان نمونه، آلودگی زیست محیطی، و تأثیرات تلویزیون بر کودکان. بنابراین، استدلال در مقابل منحصر به فردی مسائل اخلاقی رایانه تأکید می کند که ما می توانیم از مفاهیم اخلاقی شناخته شده و مقولاتی از این دست استفاده کنیم تا آنها را بفهمیم، و اینکه سایر فناوری‌ها مفاهیم اخلاقی را به چالش می کشند به همان نحوی که فناوری رایانه به چالش کشید (این عقیده ای بود که من در کتاب پیشینام درباره اخلاق رایانه اتخاذ کردم، رک جانسن، ۱۹۸۵).

از طرف دیگر، آنهایی که بر این باورند که مسائل اخلاقی رایانه منحصر به فردند اشاره دارند به ویژگی‌های مشخصی از فناوری رایانه. فناوری رایانه موجب بروز چیزهایی شده است که هرگز پیش از این موجود نبودند: نرم افزار، ریزتراشه، اینترنت، کوکی‌ها، واقعیت مجازی، و بازی‌های رایانه‌ای. مسائل اخلاقی رایانه منحصر به فردند چراکه آنها با چیزهایی سروکار دارند که هرگز تا کنون با آنها سروکار نداشتند. بسیاری از این چیزهای

جدید به خاطر میزان پردازش اطلاعات ممکن شدند: بنابراین، گرچه ما ادعای چیزهای جدید را رد می‌کنیم، اما استدلال منحصراً به فردی می‌تواند در چهارچوب این میزان محقق شود. مطلب ارتباطات، جمع‌آوری داده‌ها، محاسبات، و تحلیل آماری که توسط فناوری رایانه امکان‌پذیر شدند بی‌سابقه است. میزان گسترش پردازش اطلاعات و تحلیل آماری همچنین نوع جدیدی از معرفت را امکان‌پذیر کرده است. ما توانسته‌ایم اطلاعاتی دربارهٔ منظومهٔ شمسی و نظام اقتصادی جهانی کسب کنیم که بدون فناوری رایانه غیر ممکن بوده است. به همین منوال، اطلاعات پدید آمده دربارهٔ معاملات که پیش از این ممکن نبود. اما سایر استدلال‌ها برای منحصراً به فردی فناوری رایانه بر انعطاف‌پذیری فناوری، و قدرت و فراگیری آن تأکید می‌ورزند (جانسن، ۲۰۰۱).

استدلال برای هر طرف از این مسئله به نظر می‌رسد طرف دیگر را از دست می‌دهد. از یک طرف، آنهایی که علیه منحصراً به فردی مسائل اخلاقی رایانه استدلال می‌کنند تمرکزشان بر آن چیزی است که مسئله‌ای را مسئلهٔ اخلاقی می‌سازد؛ آنها متمرکز می‌شوند بر فهم و طبقه‌بندی مسائل در اصطلاحات اخلاقی. از طرف دیگر، آنهایی که به نفع منحصراً به فردی استدلال می‌کنند تمرکزشان بر خصوصیات فناوری رایانه است. آنها اشاره دارند به چیزی خاص دربارهٔ فناوری رایانه و این را مسلم فرض می‌کنند که از آنجا که این فناوری منحصراً به فرد است، مسائل اخلاقی نیز باید منحصراً به فرد باشند. توجه داشته باشید آنچه که یک طرف ادعا می‌کند دقیقاً در تناقض با چیزی است که طرف دیگر ادعا می‌کند.

من در جایی دیگر استدلال کرده‌ام (جانسن، ۱۹۹۴، ۲۰۰۱) که به نظر می‌رسد که حقیقتی محوری در مدعیات هر دو طرف این مسئله وجود دارد، و من برداشتی از مسائل اخلاقی رایانه پیشنهاد می‌کنم که هر دو طرف را به هم می‌آمیزد. من معتقدم که مسائل اخلاقی رایانه باید به مثابه انواعی از مسائل اخلاقی عام فهمیده شوند. در حالیکه این شرح چیزی

که در هر دو طرف ادعا وجود دارد را به خود جذب می‌کند، تقدیمی را برای سرشت اخلاقی مسائل اخلاقی رایانه به دست می‌دهد. من این شرح را بسط دادم با توجه به آنچه اتفاق می‌افتد زمانی که عالمان اخلاق با موقعیت‌هایی روبرو می‌شوند که حاوی فناوری رایانه هستند. برای تعیین اینکه آیا در اینجا مسئله اخلاقی وجود دارد و اگر وجود دارد، چیست، تلاش شده تا میان موقعیت رایانه با موقعیت شناخته شده و با مفهوم یا اصل اخلاقی شناخته شده ارتباطی برقرار شود. این برقراری ارتباط اغلب حاوی استدلالی از طریق تمثیل است. به عنوان مثال، زمانی که ما با وارد خانه کسی شدن، هکرهایی که سیستم‌های رایانه را هک می‌کنند مواجه شویم، می‌پرسیم آیا این رفتار غیر اخلاقی است. در اینجا ممکن است این مورد را قیاس بکنیم با به قصد دزدی و از آنجا که به قصد دزدی وارد خانه کسی شدن غیر اخلاقی است، به نظر می‌رسد که هک کردن سیستم رایانه نیز غیر اخلاقی است. البته این فقط نقطه شروع است. ما ممکن است هنوز بخواهیم بدانیم که آیا این قیاس مناسب است و دقیقاً چرا هک کردن رایانه غیر اخلاقی است. در ادامه به قیاس دیگری می‌پردازیم و آن رفتار را در واژه‌های اخلاقی شناخته شده طبقه‌بندی می‌کنیم. مانند به قصد دزدی وارد خانه کسی شدن، هک کردن سیستم‌های رایانه مستلزم نقض مالکیت و حریم شخصی است. بنابراین، ما هک کردن رایانه را به مثابه موضوع اخلاقی می‌فهمیم، با مرتبط ساختن آن رفتار به اصول و مفاهیم اخلاقی. این به ما کمک می‌کند تا ماهیت اخلاقی عمل را بفهمیم.

به همین منوال، برای فهم اینکه آیا استفاده از کوکی‌ها برای شناسایی کسی که از وب‌سایت‌ها دیدن می‌کند اخلاقاً بحث‌برانگیز است، ما می‌توانیم از طریق قیاس استدلال کنیم تا اینکه اصول و مفاهیم اخلاقی مربوط را بشناسیم. استفاده از کوکی‌ها چیزی شبیه استفاده از دوربین‌های کنترل مخفی در پارک‌ها و ساختمان‌ها است. حضور شما ضبط می‌

شود اما دوربین‌ها/ کوکی‌ها غیر قابل مشاهده هستند به طوری که شما نمی‌دانید که رفتار شما مشاهده و ضبط می‌شود. زمانی که وب سایت‌ها به شما می‌گویند که از کوکی‌ها استفاده می‌کنند، استفاده آنها شبیه دوربین‌های نظارتی در فروشگاه‌هاست که، اگر شما به اطراف تان دقت کنید، می‌توان دوربین‌ها را ببینید. البته، دوربین‌ها هویت فیزیکی شما را ضبط می‌کنند به نحوی که کوکی‌ها نمی‌توانند در اینجا روند بدین نحو است که ما با استفاده از چیزی که درباره موقعیت شناخته شده می‌دانیم موقعیت کمتر شناخته شده دیگری را می‌فهمیم، و ما این کار را با مرتبط ساختن و تشبیه موقعیت جدید به اصل یا مفهوم اخلاقی شناخته شده انجام می‌دهیم. به نظر می‌رسد آدمیان قادر به بازشناسی موقعیت جدید به عنوان موقعیتی که دارای تبعات اخلاقی است، نیستند مگر اینکه این موقعیت جدید یا موقعیت دیگر به نحوی مرتبط شوند با آنچه ما قبلاً به عنوان موضوع اخلاقی فهم کردیم. تصور کنید موجوداتی را که ناگهان از فضاها کیهانی ظاهر شوند. به نظر می‌رسد آنها تا حدودی شبیه انسان‌ها هستند. آنها شبیه ما راه می‌روند و صحبت می‌کنند، اما هر از گاهی آنها به نحو عجیب و غریبی رفتار می‌کنند: آنها وقتی می‌خواهند صحبت کنند انگشتان‌شان را داخل بینی‌شان می‌گذارند. ما درباره این رفتارشان چه فکری می‌کنیم؟ البته، پاسخ ما جنبه فرهنگی خواهد داشت، اما نکته اینجاست که ما این رفتار را غیر اخلاقی تلقی نمی‌کنیم مگر اینکه دارای خصوصیتی باشد که به یکی از مفاهیم اخلاقی ما ارتباط دارد. لمس بینی در حال صحبت کردن احتمالاً ارتباطی ندارد، اما فرض کنید خارجی‌هایی را که به انحایی رفتار می‌کنند که منجر به آسیب رساندن به انسان‌ها می‌شود یا فرض کنید آنها به گونه‌ای رفتار می‌کنند که مناسب تعریف ما از دروغگویی است، آنگاه ما به رفتار به عنوان امر غیر اخلاقی می‌اندیشیم. چنین داوری‌ای کلیه مسائل نسبی گروهی اخلاقی را پیش می‌کشد، اما آن مسائل در اینجا از اهمیت برخوردار نیستند. در اینجا نکته مهم این است که رفتارها و مسائل نمی‌توانند به عنوان برخوردار از اهمیت

اخلاقی بازشناسی شوند جز اینکه آنها با مفهومی که ما پیشتر داشتیم مرتبط باشند. فضای کیهانی ممکن است باور نکردنی (ساختگی) به نظر آید، اما با اخلاق رایانه مرتبط است به معنایی که فناوری رایانه به انسان‌ها توانایی می‌دهد که کارهایی را انجام دهند که پیش از نمی‌توانستند انجام دهند. آنچه ما امروزه می‌توانیم با فناوری رایانه انجام دهیم چندان دور نیست از تصورات انسان‌هایی که در قرون گذشته زندگی می‌کردند، چراکه آنها پیش خود موجودات سیاره‌های دیگر را تصور می‌کردند. ما تصویر اشعه ایکس داریم: یعنی، ما می‌توانیم تصاویر جزئیات اعضای درونی بدن را ببینیم. ما می‌توانیم در دفتر کارمان بنشینیم و با وجود بسته بودن در، کلیه حرکات کارمندانمان در سایر اتاق‌ها را زیر نظر داشته باشیم. ما می‌توانیم بازی‌هایی را (در زمان واقعی) با افرادی انجام دهیم که هزاران مایل از ما دورند. همواره رفتارها، اعم از رفتار خارجی‌ها یا رفتار انسان‌ها، رفتار به مثابه امر اخلاقی/غیراخلاقی بازشناسی نخواهند شد مگر اینکه با اصول و مفاهیم اخلاقی شناخته شده مرتبط باشد؛ اصولی چون: آسیب نرسان، حقیقت را بگو، مالکیت و حریم خصوصی را محترم بشمار.

بنابراین، ادعای من این است که ما نمی‌توانیم مسئله اخلاقی را این چنین بازشناسی کنیم مگر اینکه بتوانیم چیزی را در موقعیتی مشاهده کنیم که با مفهوم اخلاقی مرتبط باشد. این یک مدعای فرا اخلاقی است. شرح جنس - انواع ادعایی در این باره است که ما چگونه می‌شناسیم، طبقه‌بندی می‌کنیم، و می‌فهمیم. یکی از لوازم این ادعا این است که فناوری نمی‌تواند ناگهان اعتماد ما را به گستره اخلاقی کاملاً منحصر جلب کند، گرچه بعداً من بحث خواهم کرد از اینکه چگونه مفاهیم و مقولات اخلاقی ممکن است به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر بکنند (در طولانی مدت) بخاطر اینکه بازشناسی انواع جدید فناوری در دراز مدت فهم ما از جنس را تغییر می‌دهد.

پرهیز از اشتباه فناوری منحصر به فرد

من پیشتر اشتباه کسانی را که بر منحصر به فرد بودن فناوری تأکید می‌ورزیدند و در نتیجه مسلم می‌انگاشتند که از آنجایی که فناوری منحصر به فرد است، مسائل اخلاقی فراگرد آن باید منحصر به فرد باشد را بیان کردم. منحصر به فردی فناوری مورد بحث نیست. در حالی که فناوری رایانه دارای خصوصیات مشترکی با سایر فناوری‌هاست، و در حالیکه ممکن است آن را به عنوان بسط مکانیزم محاسبه‌زودتر تصور کنیم، هیچ یک از امکانات رایانه‌های جدید تا کنون موجود نبوده‌اند. با این حال، اینکه فناوری رایانه محیط‌هایی (برای عمل انسانی) را با خواصی که هرگز پیش از این موجود نبودند بوجود می‌آورد، مورد بحث ما نیست. هرگز قبلاً انسان‌ها نمی‌توانستند برای خرید از طریق کارت اعتباری پول پردازند، با ویروس‌های رایانه‌ای سروکار نداشتند، واقعیت مجازی را تجربه نکرده بودند، و غیره. با این حال، پرسش از منحصر به فرد بودن مسائل اخلاقی رایانه ناشی از این است که مسائل اخلاقی منحصر به فرد هستند، نه فناوری. برای پاسخ به پرسشی دربارهٔ منحصر به فردی مسائل اخلاقی، ما باید به ماهیت مسائل اخلاقی نظر کنیم؛ نه به فناوری.

به نظر می‌رسد منر (Maner) (۱۹۹۶) مرتکب این اشتباه تأکید بر منحصر به فردی فناوری شد. او مجموعه مثال‌هایی رامطرح کرد در حالی که من بر این باورم که بر کلیهٔ مثال‌ها ایراد وارد است. من تنها یک مثال را بیان می‌کنم. منر معتقد است که به خاطر ماهیت فناوری رایانه، ما ناچاریم که رایانه‌هایی را برای افراد معلول فراهم آوریم. او مدعی می‌شود که این استدلال اخلاقی منحصر به فرد است چرا که هرگز پیش از این مکانیزمی با چنین قابلیت کاربرد عامی موجود نبوده است. از این رو، هرگز پیش از این استدلالی برای این نوع از رایانه‌ها که در دسترس فرد معلول باشد، نمی‌توانست موجود باشد. بر وفق نظر منر، ما الزام منحصر به فردی برای تهیه رایانه‌هایی برای شخص معلول داریم. او می‌

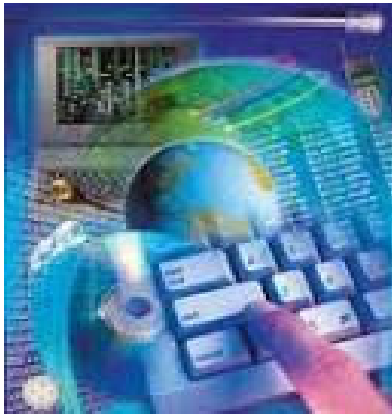
نویسد:

نکته من این است که الزام ما برای تدارک دسترس پذیری کلی به فناوری رایانه طرح نمی‌شد اگر رایانه‌ها به نحو گسترده‌ای وفق دادنی نبودند. عمومیت این الزام در تناسب با عمومیت ماشین است ... هنوز درست خواهد بود که دسترس پذیری ماشین کاملاً انعطاف-پذیر آن طور الزامات ما را تغییر می‌دهد که خود این تغییر شایسته پژوهش اجتماعی است (منر، ۱۹۹۶: ۱۴۵).

بنابراین، ادعا این است که ویژگی منحصر به فرد بودن فناوری رایانه دلیل منحصر به فردی این مسئله اخلاقی است. مشکل این است که این استدلال منحصر در نوع نیست و منحصر در اصل اخلاقی‌ای نیست که خواهان است. به عبارات دیگر، منحصر در نوع نیست به همان معنایی که سایر استدلال‌ها به خاطر چیزهای پراکنده‌ای که توانایی انجام کار خوب دارند محقق شده‌اند. در نظر بیاورید استدلال‌هایی را که، در واقع امر، می‌توان برای دسترسی همگانی به واکسن‌های مانع بیماری، فناوری‌های پزشکی حافظ زندگی، یا غذا ارائه کرد.

استدلال منر می‌تواند طبقه‌بندی شود به عنوان عضوی از جنس استدلال‌هایی که به نیروی فراوانی متوسل می‌شوند تا خوب عمل کنند. این واقعیت که چیزی دارای نیروی فراوانی برای خوب عمل کردن است از انسان‌ها می‌خواهد تا آنرا دسترس‌پذیر کنند برای کسانی که می‌توانند از آن نفع ببرند. قطع نظر از اینکه آیا استدلال منر معتبر است (یا نه)، نکته این است که او به اصل غیر منحصر به فرد متوسل می‌شود. استدلال منر جدید است به معنایی که او اصل شناخته شده‌ای را در نظر می‌گیرد و آن را به فناوری رایانه ربط می‌دهد. پیش از اختراع فناوری رایانه، این معنا اصلاً موجود نبود. از این رو، منر انواع جدیدی را به جنس نوع - استدلالی (argument - type) می‌افزاید که متوسل به نیروی چیزی

می شود تا بهتر عمل کند به عنوان دلایلی برای این که آن چیز را در دسترس کسانی که به آن نیاز دارند قرار دهد.



شرح جنس - انواع تصدیق می کند منحصر به فردی فناوری رایانه را (با تصدیق این که مسائل اخلاقی رایانه ممکن است انواع منحصر به فردی باشند) در حالیکه در عین حال تصدیق می کند که مسائل اخلاقی رایانه، تنها در خصوصیت‌های‌شان، منحصر در نوع نیستند. این شرح تصدیق می کند که ارتباط میان اخلاق و عمل انسانی برای طبقه‌بندی مسائل به

عنوان مسائل اخلاقی مستلزم فهم عمل اخلاقی و روابط انسانی داخل در آن است. فناوری به تنهایی نمی تواند مسئله اخلاقی را نشان دهد. به مسائل اخلاقی رایانه پرداخته می شود چرا که فناوری رایانه برای انسان‌ها انجام کارهایی را ممکن می‌سازد. این امکانات با شناختن و طبقه‌بندی کردن آنها در مقولات و واژه‌های اخلاقی شناخته شده، و به عنوان انواع عمل فهمیده شده‌اند.

پرهیز از اشتباه مدل اخلاق کاربردی

از آنجا که شرح جنس - انواع می توانست به عنوان مدافع مدل «اخلاق کاربردی» دیده شود، تبیین اینکه چرا این مسئله اشتباه خواهد بود ارزشمند است. بر وفق مدل اخلاق کاربردی، زمانی که با موقعیت جدیدی مواجه می شویم که مشتمل بر فناوری رایانه است، آنچه ما باید انجام دهیم این است که نظریه‌های انتزاعی و اصول اخلاقی عام را بیایم و اینها را بر موقعیت جدید اعمال کنیم. این مدل متصل با شرح جنس - انواع منجر به نوعی پیشنهاد روش‌شناختی می شود که در پی می‌آید. زمانی که ما با مسئله اخلاق رایانه مواجه

می شویم، باید: جنسی که این مسئله عضو آن است را دریابیم؛ یعنی اصول و مفاهیمی که در ارتباط با انواع شناخته شده‌ای از آن جنس مورد استفاده قرار می‌گیرند را بشناسیم، و آنگاه این مفاهیم و اصول را بر انواع جدید، یعنی مسئله اخلاق رایانه، اعمال کنیم. در نظر اول به نظر می‌رسد این امر شبیه باشد به آنچه و کلا و قضا در مورد نرم افزار رایانه انجام داده‌اند. زمانی که آنها نخست با مسائل مالکیت نرم افزار رایانه مواجه شدند، نرم افزار را به عنوان صورت بالقوه مالکیت فرهنگی طبقه‌بندی کردند، و، آنگاه سعی کردند از مفاهیم، تمایزات، و اصول قانون کپی رایت و حق انحصاری استفاده کنند.

مشکل این تصویر از چگونگی پرداختن به مسائل اخلاق رایانه همان مفهوم «کاربرد» است. کاربرد حاکی از عمل تقریباً ماشینی معینی است. ما اصل مشخصی را اخذ می‌کنیم و آنرا بر مورد (ثابت و مشخصی) اعمال می‌کنیم. با این حال، این تمام آنچیزی نیست که برای بسیاری از مسائل اخلاقی رخ داده است. فرایند مرتبط ساختن مفاهیم و اصول با موقعیت‌هایی که مشتمل بر فناوری رایانه هستند ساختگی و نامشخص است. اغلب مفاهیم و اصول اخلاقی در اعمال‌شان بر فناوری جدید مبهم هستند و اغلب فناوری هنوز «در حال تولید» است (Cockburn and Omrod: 1993).

مور (۱۹۸۵) ماهیت بی‌ثبات این موقعیت را زودتر دریافت؛ زمانی که بر آن بود که بسیاری از آثار مربوط به اخلاق رایانه درصدد مرتب کردن به هم‌ریختگی ادراکی هستند. به هم‌ریختگی ادراکی مانع به کارگیری مفاهیم و اصول شناخته شده است. در حقیقت، حتی تصویر اعمال تمایزات و اصول برآمده از قانون حق انحصاری و کپی رایت از ناحیه و کلا و قضا در نرم‌افزار تاحدودی گمراه‌کننده است. این تصویر این واقعیت را پنهان می‌کند که آن فرایند یکی از معرف‌های فناوری است. در روزهای آغازین پدید آمدن رایانه، روشن نبود که نرم افزار چه چیزی است، چه رسد به اینکه مالکیت آن یک ارزشمند و

محترم باشد. بله، چیزهایی وجود داشت که برنامه نام داشت و می توانست به زبان‌هایی مانند کارت رایانه منتقل شود، اما از منظر اخلاقی و قانونی مشخص نبود که اینها چه چیزی هستند. پرسش قضات و وکلا به قرار ذیل است:

۱: آیا برنامه بیان یک ایده است؟

۲: آیا برنامه فرایند تغییر ساختار درونی رایانه است؟

۳: آیا برنامه مجموعه‌هایی از «قدم‌های ذهنی» است که اساساً قابل اندیشیدن از رهگذر وجود آدمی است؟

آنها در صدد استفاده از مفاهیم برآمده از قانون حق انحصاری و کپی رایت بودند تا سعی کنند که امر نامعلوم را بر امر معلوم منطبق کنند. اینکه بخواهیم این مسئله را به مثابه اعمال یک اصل بر یک مورد در نظر بگیریم گمراه کننده است؛ چرا که آنها نمی دانستند «آن مورد» چه چیزی بود.



مفاهیم و اصول شناخته شده در چنین موقعیت‌هایی مفید هستند اما آنها «کاربردی» نیستند. مفاهیم و اصول شناخته شده فهمی از موقعیت / مورد جدید پدید می‌آورند. به یاد داشته باشید که جواب درست از پیش تعیین شده‌ای موجود نبود برای این پرسش که آیا با برنامه‌های رایانه‌ای بیان ایده‌ها یا قدم‌های ذهنی یا

طرح مشخصاتی برای ماشین‌ها بودند. وکلا، قضات، و نظریه پردازان تصمیم گرفتند که برنامه‌های رایانه‌ای چه بکنند. تصمیمات درباره چگونگی مرتبط ساختن برنامه‌های رایانه با قانون حق انحصاری و کپی رایت، به تعبیری، از نرم افزار رایانه‌ای آنچه هست می‌سازد. در حقیقت، چیستی نرم افزار - آنچه نرم افزار باید باشد - هنوز این روزها در دادگاه‌ها مورد

بحث است. از این فرایند به درستی به عنوان گفتگو دربارهٔ تناسب میان فناوری و اصول اخلاقی (فرایند ساختگی) توصیف شده نه به عنوان به کارگیری و اعمال آن‌ها. بنابراین، در حالیکه شرح جنس - انواع از مسائل اخلاقی رایانه مناسب نظر به مسائل اخلاقی رایانه به عنوان مسئلهٔ اخلاق کاربردی است، این شرح نباید بدین نحو تفسیر شود. فرایند طرح اصول و مفاهیم اخلاقی شناخته شده برای فهم و بیان مسائل اخلاقی رایانه ساختگی است. یکی از احتیاط‌های پایانی باید با توجه به شرح جنس - انواع از مسائل اخلاقی رایانه طرح شود. این شرح تأکید دارد بر فرایندی که از رهگذر آن مسائل اخلاقی مشخص و طبقه‌بندی می‌شوند، و طبقه‌بندی و تشخیص فرایندهای مداوم هستند. در مدت زمان طولانی، همان طور که انواع جدید اضافه می‌شوند، معنای جنس تغییر می‌کند؛ فهم ما از مفاهیم و اصول اخلاقی گاهی تغییر می‌کند همانطوری که ما از آنها استفاده می‌کنیم تا موقعیت‌های جدیدی را دریابیم. حریم خصوصی در اینجا مثال خوبی است: آنچه از حریم خصوصی در گذشته قصد می‌شد اکنون تغییر کرده است و این تغییر ادامه دارد در جواب فناوری‌های جدید و آنچه آنها ممکن می‌سازند. به عنوان نمونه، می‌توان این امر را در تصور «حریم خصوصی اطلاعات» مشاهده کرد. صورت نسبتاً جدید حریم خصوصی با فناوری رایانه در پیوند است. به همین منوال دربارهٔ مالکیت می‌توان سخن گفت. مثال جدید در اینجا موسیقی دیجیتالی است و اینکه چگونه قضات، وکلا، و عالمان اخلاق را وادار به در نظر گرفتن مالکیت به شیوه‌های جدید کرده است.

این بدان معناست که در حالیکه شرح جنس؛ انواع منکر آن است که مسائل اخلاقی رایانه اساساً منحصر به فرد هستند، امکان تغییر پایه‌ای در اخلاق در دراز مدت را فراهم می‌آورد؛ تغییرات پایه‌ای در مفاهیم و اصول. این توضیحات روشن می‌کند که چرا چنین تغییراتی به آرامی و تدریجی پدید آمدند. انسان‌ها نمی‌توانند اخلاقی بودن موقعیت‌ها را

بپذیرند مگر آنکه آنها به گونه ای جدید با مفاهیم و اصول اخلاقی شناخته شده مرتبط شوند.

نتیجه بحث

آیا مسائل اخلاقی مربوط به فناوری رایانه منحصر به فرد هستند؟ مسائل اخلاقی رایانه انواع جدیدی از مسائل اخلاقی عام هستند. مسائل اخلاقی همواره درباره انسان‌ها و عمل انسانی هستند. فناوری رایانه، مانند سایر فناوری‌ها، ابزار عمل انسانی را تغییر می‌دهد و برای آدمیان این امکان را فراهم می‌آورد که هم کارهایی را که پیش از این قادر به انجام آنها نبودند را انجام دهند، هم آن کارها را به شیوه ای جدید انجام دهند. این تغییرات به این معناست که انسان با پرسش‌های اخلاقی ای مواجه است که هرگز تاکنون با آنها مواجه نبوده است؛ اما پرسش‌های جدید ما را به حوزه اخلاقی کاملاً منحصر به فرد سوق می‌دهند. ما موقعیت‌های جدید را با کمک گرفتن از مفاهیم و اصول اخلاقی شناخته شده فهم می‌کنیم. ما فناوری و مسائل اخلاقی را تبدیل به چیزهایی کرده ایم که می‌توانیم آن‌ها را بفهمیم.

منابع:

1. Cocburn, C, and Omrod, S. (1993), *Gender and Technology in The Making*, London: Sage.
2. Johnson, D. G. (1985), *Computer Ethics*, Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
3. _____ (1994) *Computer Ethics*, 2nd ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
4. _____ (2001) *Computer Ethics*, 3rd edn. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.

5. Johnson, H. (1984), *The Imperative of Responsibility*, Chicago: University of Chicago Press.
6. Maner, W. (1996), " Unique ethical Problems in information technology" , *Science and Engineering Ethics*, 2 (2): 137 – 54.
7. Moor, J. (1985), "What is computer ethics?", *Metaphilosophy*, 16 (4): 266 – 75.

برای مطالعه بیشتر

1. Baird. R. M., Ramsower, R., and Rosebaum, S. E. (eds) (2000), *Cyberetics*, Amherst, NY: Prometheus.
2. Hester, D, M. and ford, P. J. (eds) (2001), *Computer and Ethics in the Cyberage*, Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
3. Johnson D. G., and Nissenbaum, H. (eds) (1995), *Computer ,Ethics, and Social Values*, EngleWood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
4. Tavani, H. (1996), "Bibliography: a computer ethics bibliography", *Comuters and Society*.



اخلاق در سپهر سایبر چیستی و چرایی اخلاق فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با حسینعلی رحمتی

اخلاق فناوری اطلاعات یکی از حوزه های نوپیدا در عرصه اخلاق است. با توجه به پرونده علمی این شماره و برای اطلاع بیشتر درباره این شاخه از اخلاق، برخی از سوال های مطرح در این زمینه را با آقای حسینعلی رحمتی، پژوهشگر حوزه و دانشگاه، در میان گذاشتیم.

❖ لطفا در ابتدا تعریفی از «اخلاق فناوری اطلاعات» ارائه فرمایید.

با نام خدا و با تشکر از دست اندرکاران مجله دانش پژوهان و عرض خسته نباشید به شما سخن را آغاز می کنیم. به طور مختصر می توان گفت اخلاق فناوری اطلاعات (Information Technology Ethics=IT Ethics) در ذیل اخلاق

کاربردی قرار می‌گیرد. اخلاق کاربردی ناظر به بررسی موضوع‌های ملموس و مورد کاربرد در زندگی روزمره انسان‌ها است و با مباحث صرفاً نظری اخلاق تفاوت دارد. اخلاق کاربردی موضوع‌های خود را از مسائلی می‌گیرد که به اقتضای تحولات و تغییرات زندگی بشر به وجود می‌آید. از آنجا که پیدایش و گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مثل اینترنت و رایانه از پدیده‌های عصر جدید است بررسی وجوه اخلاقی این فناوری‌ها شاکله اخلاق فناوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد. به هر حال، اگر بخواهیم این حوزه از اخلاق را به طور مختصر معرفی کنیم می‌توانیم بگوییم اخلاق فناوری اطلاعات، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که موضوع‌ها و مسائل مربوط به فناوری‌های اطلاعاتی را از زاویه و از منظر اخلاق مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان مثال، یکی از معضلاتی که به واسطه فناوری‌هایی چون اینترنت دامن گیر افراد عصر حاضر شده مسئله ارسال پیام‌های ناخواسته یا هرزنامه‌ها (spam) است. این موضوع را می‌شود هم از نظر فنی یا اقتصادی بررسی کرد هم از جهت اخلاقی. عالمان اخلاق به عنوان مثال این مطلب را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که ارسال این پیام‌ها برای افراد بدون رضایت یا اجازه آنها آیا از نظر اخلاقی کاری پسندیده است یا خیر؟ و اگر ناپسند است مبانی اخلاقی آن کدام است. نمونه دیگری از موضوع‌هایی که در اخلاق فناوری مطرح می‌شود مسئله مسوولیت اخلاقی ماشین‌های هوشمند است. به این معنا که اگر مثلاً یک کامپیوتر در حین کار به طور نادرستی عمل کرد و باعث ضرر و زیان به دیگران شد اخلاقاً آیا کسی مقصر و پاسخ‌گو هست. اگر هست چه کسی؟ آیا مثلاً سازنده کامپیوتر یا برنامه‌نویس آن یا شخص دیگر. البته باید توجه داشت که این گونه موضوعات حالت بین‌رشته‌ای دارد و از ابعاد دیگری، مثل حقوق، هم قابل بررسی است ولی در اخلاق فناوری اطلاعات به

آنها از منظر اخلاقی نگریسته می شود.

❖ زمینه ها و عوامل شکل گیری این شاخه از اخلاق چه بود؟

اگر بپذیریم که اخلاق فناوری اطلاعات زیر مجموعه موضوع کلان تری به نام «اخلاق و تکنیک» است می توانیم بگوییم که سنخ بحث های اخلاقی در این باره تاریخچه و سابقه ای بسیار طولانی دارد. لکن به طور مشخص، همان طور که مارین



اخلاق فناوری اطلاعات ، شاخه ای از اخلاق کاربردی است که موضوع ها و مسائل مربوط به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی را از زاویه و منظر اخلاق مورد بررسی قرار می دهد.

کویگلی در مقدمه کتاب *دانشنامه اخلاق و امنیت اطلاعات* خاطر نشان کرده، از اواخر قرن بیستم یعنی از دهه ۱۹۸۰ با زیاد شدن کامپیوترهای خانگی و به خصوص از دهه ۱۹۹۰ با ایجاد و گسترش شبکه جهانی اینترنت، کم کم سوال های بسیار جدی ای درباب استفاده از این فناوری ها مطرح شد. سوال هایی که بخشی از آنها ناظر به جنبه اخلاقی این فناوری ها بود. مبنای این مباحث هم این بود که تکنولوژی یک امر اجتماعی و تاثیر گذار است که هم از انسان تاثیر می گیرد هم بر انسان تاثیر می گذارد. کویگلی از قول کسانی چون کوین و تارکل نقل می کند که فناوری های ارتباطی هم ما را تغییر می دهد هم چگونگی ارتباط مان با محیط و با انسان های دیگر را. تارکل تاکید می کند که مثلا کامپیوترها نه تنها شیوه فکر و احساس ما بلکه «خود» ما را نیز تغییر می دهند.

با توجه به چالش هایی که بر اثر استفاده روزافزون از اینترنت و کامپیوتر پدید

آمد به مرور زمان بررسی وجه اخلاقی این مباحث به طور جدی در دستور کار متفکران حوزه‌هایی مثل اخلاق و فلسفه قرار گرفت. البته مباحث اخلاقی صرفاً ناظر به سوء استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نبود، بلکه حسن استفاده از آنها هم توانست و می‌تواند تبعاتی داشته باشد. به عنوان مثال، استفاده از این فناوری‌ها موجب بیکاری افراد بسیاری می‌شود. به هر حال، درباره چالش‌های مرتبط با فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی دیدگاه‌های جدی موافق و مخالف در گرفت و آثار گوناگونی نگاشته شد. مجموع این تاملات و تلاش‌ها به شکل‌گیری شاخه‌ای انجامید که امروزه اخلاق فناوری اطلاعات نامیده می‌شود. لذا اگر بخواهیم به طور مختصر به سوال شما پاسخ دهیم باید بگوییم که شکل‌گیری و گسترش روزافزون فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی از یک طرف و چالش‌های پدیدآمده به خاطر این امر از طرف دیگر، و لزوم چاره‌اندیشی برای این چالش‌های اخلاقی زمینه‌ساز شکل‌گیری اخلاق فناوری اطلاعات را به وجود آورد.

❖ آیا می‌توان در فضای مجازی به تبیین، تعریف و اجرای اخلاق، همانند فضای حقیقی، پرداخت؟

مقصود شما از اجرای اخلاق چندان روشن نیست. ولی اگر منظورتان این است که آیا می‌توان بر عمل به اخلاق در فضای مجازی، مثل عالم حقیقی، تاکید داشت، پاسخ‌تان مثبت است. به طور کلی می‌توان گفت این امکان پذیر است که برای فضای مجازی یا سایر قواعد و قوانین اخلاقی را تعریف کرد، ولی از توجه به یک نکته نباید غافل شد و آن این که وقتی ما از اخلاق خاص فضای سایر سخن به میان می‌آوریم به این معنا نیست که در این زمینه به ابداع یا اختراع قوانین اخلاقی جدیدی دست زده ایم و مثلاً چیزهایی را به عنوان اصول اخلاقی مطرح کرده ایم که تا کنون وجود نداشته است. بلکه شاید بتوان گفت مقصود از مباحث اخلاق فناوری اطلاعات

این است که چالش‌ها و موضوع‌های نوپیدا را از جنبه اخلاقی بررسی کرده و مشخص کنیم که این‌ها اولاً در ذیل اصول اخلاقی قرار می‌گیرند یا خیر و ثانیاً اگر قرار می‌گیرند این اصول کدام‌اند. شاید بتوان گفت در اخلاق فناوری اطلاعات هدف آن است که مشخص شود هر یک از مسائل پدید آمده به خاطر این فناوری‌ها مصداق کدام اصل یا قانون اخلاقی است. به عنوان مثال یکی از مسائلی که در فضای اینترنت یا در ارتباط با رایانه‌ها مطرح است «تکثیر بدون اجازه نرم‌افزارها و برنامه‌ها» است. درباره این که چنین کاری اخلاقی است یا نیست دو دیدگاه وجود دارد. برخی آن را از مصادیق سرقت اموال دیگران یا تصرف بدون اجازه در اموال دیگران می‌دانند. طبیعتاً در این صورت چنین کاری اخلاقاً صحیح نیست. اما گروهی ممکن است چنین کاری را سرقت ندانند به این خاطر که بگویند شما به هر اندازه هم

با توجه به چالش‌های اخلاقی که بر اثر استفاده روزافزون از اینترنت و کامپیوتر پدید آمد به مرور زمان بررسی این مباحث به طور جدی در دستور کار متفکران حوزه‌هایی مثل اخلاق و فلسفه قرار گرفت.

که نرم‌افزار یا برنامه‌ای را کپی کنید چون اصل برنامه نزد سازنده آن باقی است و چیزی از آن کم نشده در واقع سرقتی انجام نشده است؛ چون سرقت وقتی معنا دارد که مال کسی نقصان پیدا کند در صورتی که در کپی برداری از برنامه‌ها اگر یک برنامه میلیون‌ها بار هم کپی شود از اصل آن برنامه چیزی کم نمی‌شود. حال اگر کسی چنین مبنایی را بپذیرد طبیعتاً کپی کردن برنامه‌ها و نرم‌افزارها بدون اجازه صاحبان آن، از نظر او کاری غیر اخلاقی نخواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید

در این جا یک اصل اخلاقی جدید جدای از آن چه قبلا بوده به وجود نیامده است بلکه سخن در این است که آیا کار انجام شده مصداق کدام یک از اصول اخلاقی قرار می گیرد.

❖ آیا پیدایش اینترنت و فضای مجازی سوال های اخلاقی جدیدی را مطرح می کند؟

با توجه به آن چه در پاسخ به سوال پیشین گفته شد می توان تاکید کرد که بله، اینترنت و فضای مجازی و به طور کلی پیدایش ابزارها و فناوری های مربوط به عرصه اطلاعات و ارتباطات، کامپیوترها، شبکه های اجتماعی، و تلفن های همراه باعث ایجاد سوال های جدید اخلاقی شده اند که نمونه ای از آن بیان شد. دست کم می توان گفت این فناوری ها باعث شد که مباحث و موضوع های اخلاقی گذشته به گونه ای جدید و متناسب با شرایط خاص دنیای امروز و فضای مجازی مطرح می شود.

❖ مهم ترین چالش های اخلاقی فضای سایبر کدام است؟

در این زمینه می توان فهرست نسبتا مفصلی را ذکر کرد که توضیح آنها البته از حد گفت و گوی حاضر بیرون است. علاقه مندان می توانند به دانشنامه هایی که درباره اخلاق فناوری اطلاعات نگاشته شده مراجعه کنند. در این جا فقط برای آشنایی اجمالی مخاطبان گرامی با سنخ مسائلی که در اخلاق فناوری اطلاعات مطرح است به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱. نقض حریم خصوصی افراد ۲. سرقت اطلاعات ۳. هرزه نگاری (پورنوگرافی) و اشاعه فحشا ۴. فریب دیگران ۵. فروش اموال دیگران بدون اجازه آنها ۵. ریختن آبروی دیگران و دروغ پردازی درباره آنها ۶. افشای اسرار و اطلاعات مربوط به امنیت جامعه و نظام سیاسی ۷. معرفی غیر واقعی خود ۸. ارسال هرزنامه یا اسپم ۹. ایجاد اختلافات مذهبی، قومی، ملی و مانند آن ۱۰. کم فروشی (مثلا در فروش پهنای باند یا حجم اطلاعات) ۱۱. توهین و بی احترامی به ادیان و

مقدسات ۱۲. آموزش کارهای خلاف یا خطرناک ۱۳. ایجاد گروه های و دسته جات غیرقانونی یا غیر اخلاقی ۱۴. اخلال در برنامه های نرم افزاری دیگران ۱۵. سوءاستفاده از اعتماد دیگران ۱۶. ارائه نرم افزارها یا برنامه های فاقد کیفیت یا فاقد پشتوانه و حمایت فنی ۱۷. انتشار آثار دیگران به نام خود ۱۸. جعل عنوان، کلاهبرداری و مانند آن ۱۹. به خطر انداختن محیط زیست ۲۰. تهدید یا تطمیع و فریب دیگران برای انجام کارهای غیر قانونی یا غیر اخلاقی.

❖ برای مواجهه با این چالش ها چه باید کرد؟

روی کرد صحیح و موثر در مواجهه با این چالش ها یک مسئله چند وجهی است و به هیچ وجه نباید ساده انگارانه با یک راه حل ساده و تک بعدی گمان کنیم مشکل را حل کرده ایم. به قول معروف «هزار نکته باریک تر ز مو اینجاست» که باید مورد توجه قرار گیرد. در یک تقسیم بندی می توان مواجهه با معضلات اخلاقی ناشی از فضای سایبر را بر دو قسم دانست: نظری و عملی. از جهت نظری شناخت صحیح و علمی این چالش ها و تدوین یک نظام اخلاقی مناسب برای آنها همراه با تبیین

روی کرد صحیح و موثر در مواجهه با چالش های اخلاقی فضای سایبر یک مسئله چند وجهی است و نباید گمان کنیم با یک راه حل ساده و تک بعدی می توان مشکل را حل کرد.



زیرساخت ها و مباحث قاعده ای و هرمی آنها یکی از ضروریات است. البته همان گونه که اشاره شد این مباحث جنبه های حقوقی و حتی فنی هم دارد که فعلا مد نظر

ما نیست. از جهت عملی و اجرایی هم کارهای مختلفی باید مد نظر قرار گیرد که به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱. تلاش برای فرهنگ سازی استفاده از اینترنت و دیگر ابزارهای اطلاع رسانی و ارتباطی ۲. بالا بردن رشد اخلاقی کاربران فضای سایبر ۳. ارائه آموزش های لازم به جامعه به ویژه به نوجوانان و جوانان درباره خطرها و لغزندگی های موجود در این فضای جذاب و متنوع. همچنین راهنمایی همه افراد جامعه برای مواجهه صحیح با این چالش ها و معضلات ۴. تلاش برای تولید محتوای مناسب و پاک برای ارائه به کاربران و کاستن انگیزه آنها برای تمایل به بهره برداری نادرست از فضای سایبر ۵. برخورد قانونی و منضبط با کسانی که موجب ناامنی اخلاقی در فضای مجازی می‌شوند و اصول و قواعد اخلاقی را زیر پا می‌گذارند. ۶. طراحی نرم افزارها و سخت افزارهای لازم برای پیش گیری از چالش های اخلاقی در عرصه فناوری اطلاعات. البته به آن چه گفته می‌شود موارد دیگری را نیز می‌توان افزود. آن چه در این جا باید مورد تاکید قرار گیرد اولویت فرهنگ سازی و آموزش و تربیت جامعه کاربران فضای سایبر بر دیگر کارها است. برخورد سلبی در این فضا به تنهایی کافی نیست؛ به ویژه آن که به هر حال افراد راه های گریزی برای فرار از این گونه برخوردها پیدا می‌کنند. اما اگر شخص به آن رشد اخلاقی رسیده باشد که بداند در فضای مجازی چگونه زندگی کند و با دیگران تعامل داشته باشد طبیعتاً دیگر نیاز چندانی به برخوردهای سلبی نیست؛ گر چه برخورد سلبی هم در جای خود و به اندازه نیاز لازم است.

❖ مهم ترین اصول اخلاقی قابل کاربرد در فضای مجازی چیست؟

با توجه به آن چه در پاسخ به سوال های گذشته گفته شد می‌توان گفت اگر خود چالش های اخلاقی در این فضا به درستی شناخت شود اصول اخلاقی مرتبط با

آن هم مشخص می‌شود. به هر صورت، اگر بخواهیم با ادبیات اخلاق اسلامی سخن بگوییم می‌توانیم این اصول را به عنوان نمونه‌های از قواعد اخلاقی مورد نیاز در فضای سایبر و در واقع مورد نیاز برای تدوین نظام اخلاق فناوری اطلاعات مطرح کنیم: ۱. حرمت دروغ‌گویی ۲. لزوم حفظ حریم خصوصی دیگران ۳. لزوم حفظ آبرو و اموال و سرمایه دیگران ۴. حرمت فریب و دغل‌کاری ۵. لزوم حفظ کرامت انسانی ۶. حرمت تولید و اشاعه مطالب و تصاویر غیر اخلاقی ۷. محترم بودن مالکیت افراد بر سرمایه‌های خود و نادرستی تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنها ۸. غیر مجاز بودن ثبت کار دیگران به نام خود ۹. لزوم امانت‌داری و وفای به عهد ۱۰. عدم جواز ضرر رساندن به خود و اضرار به دیگران. باید توجه داشت که اصطلاحاتی از قبیل حرمت یا عدم جواز در این مباحث از منظر اخلاقی مطرح است نه از نظر فقهی و حقوقی و مانند آن؛ گرچه به هر حال با این حوزه‌ها هم ارتباطاتی دارد.

❖ آیا درج اطلاعات و هویت نادرست از خود در فضای مجازی، عملی غیر اخلاقی است؟

مسئله را به دو صورت می‌توان مطرح کرد. گاهی شخص به صورت گمنام و ناشناس در اینترنت فعالیت می‌کند، گاهی مطالب نادرستی را مطرح می‌کند. مورد اول، لزوماً کار غیر اخلاقی نیست. چون اخلاقاً کسی ملزم نیست که با اسم حقیقی خود مطلب بنویسد، مگر در موارد خاصی؛ مثل این که شخص بخواهد به دیگران مشاوره حقوقی یا پزشکی و مانند آن را ارائه کند. بدیهی است که در این موارد باید دست کم هویت صنفی خود را اثبات نماید. لکن در صورت دوم که شخص مطالب نادرستی را بخواهد ارائه کند این قطعاً عملی غیر اخلاقی است؛ چه شخص با هویت مشخص این کار را انجام دهد چه به صورت ناشناس. البته این نکته هست که به هر اندازه هویت حقیقی افراد در فضای مجازی مشخص‌تر باشد اولاً اعتماد دیگران به آنها جلب می‌شود ثانیاً شخص در قبال اعمال و رفتار خود احساس مسوولیت بیشتری

می کند و طبیعتاً این امر به اخلاقی تر شدن فضای سایبر کمک می کند. پس اگر سوال شود که آیا گمنامی در فضای مجازی با تعهد اخلاقی سازگار است یا خیر، در پاسخ می توان گفت لزوماً نه. افراد می توانند در فضای اینترنت بدون معرفی خود به فعالیت پردازند. همان طور که امروزه دیده می شود صدها هزار سایت و وبلاگ در اینترنت وجود دارد که صاحبان آنها خود را معرفی نکرده اند. لکن در موارد لازم اگر کسی خود را معرفی نکند یا به دروغ معرفی کند برای فریب دیگران و مانند آن، طبیعتاً این امری غیراخلاقی خواهد بود.

❖ **آیا اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات باید از طریق کنترل های قانونی- حقوقی اعمال شود و به صورت نهادی شده و سازمان یافته درآید، یا باید به انتخاب اخلاقی - فرهنگی کاربران واگذار گردد؟**

گر چه ایده آل این است که همه کاربران فضای مجازی مقید به رعایت اصول و قواعد اخلاقی باشند، ولی همان طور که در فضای حقیقی این گونه نیست در فضای مجازی هم نمی توان انتظار بیش از اندازه داشت؛ به ویژه که در این فضا امکان ناشناس ماندن و مخفی کاری بیشتر است و همین امر زمینه را برای وقوع برخی ناهنجاری های اخلاقی بیشتر فراهم می کند. بنابراین در پاسخ به سوال مطرح شده باید گفت هم کنترل های قانونی حقوقی لازم است هم انتخاب اخلاقی و فرهنگی خود کاربران. طبیعتاً به هر اندازه که دومی تقویت شود نیاز به اولی کمتر می شود ولی به هر حال اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم باید بگوییم که به هر دو نیاز است.

❖ **آیا فناوری های اطلاعات و ارتباطات، به ستیز با خرده فرهنگ ها و خرده زبان ها بر می خیزند و جهان را به سمت یکپارچگی فرهنگی - زبانی (با غلبه جوامع قدرتمند) سوق می دهند؟**

این پرسش به طور مستقیم ربط چندانی به اخلاق ندارد هر چند می تواند بعدی اخلاقی هم پیدا کند. به هر حال در پاسخ می توان گفت که

دنیای مجازی و فضای سایبر هم مانند دنیای حقیقی عرصه هماوردی، کشمکش و رقابت فرهنگ های گوناگون است. در این میان هر فرهنگی که زاینده گی و تولیدگری بیشتری داشته باشد طبیعتاً هژمونی و برتری بیشتری هم خواهد داشت. کما این که

هر چند خوشبختانه در چند سال اخیر تلاش های علمی خوبی درباره مباحث مرتبط با اخلاق فناوری اطلاعات در کشورمان انجام شده و ادبیات موضوع بخصوص در گروه های اخلاق و فلسفه کشورمان جدی گرفته شده است، ولی با توجه به گستره موضوعی این حوزه و نیاز جامعه ما، همچنین با توجه به گسترش روزافزون استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی در کشورمان، هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم.

امروز به خاطر گسترده بودن کاربران و تولیدکنندگان محتوا به زبان انگلیسی، غلبه زبانی در فضای اینترنت با زبان انگلیسی است. اما این که این روند به نوعی یکپارچگی یا غلبه مطلق پیش برود به نظر می رسد که این گونه نیست و دست کم تا به حال تجربه اینترنت نشان داده که این کار عملی نیست. چرا که فضای مجازی یک «امکان» است که در اختیار همه فرهنگ ها و همه زبان ها قرار دارد و کسی نمی تواند آن را به طور کامل در تیول و اختیار خود بگیرد و دیگران را از ورود به آن منع کند. مانع دیگری که بر سر راه یکپارچگی مورد نظر شما قرار دارد این است که اتفاقاً به مدد اینترنت خرده

فرهنگ ها و خرده زبان ها می توانند خود را بیش از گذشته معرفی کنند و در عرصه های حقیقی و مجازی عرض اندام نمایند و حتی از بین فرهنگ های دیگر یارگیری نمایند. به همین خاطر است که دیده می شود گاهی حتی یک فرد ناشناخته در گوشه ای از دنیا با استفاده از اینترنت در عرض یک مدت کوتاه خود را به یک چهره شناخته شده و معروف جهانی تبدیل می کند یا اهالی یک روستای دور افتاده می توانند از اینترنت به همان اندازه برای معرفی فرهنگ و اخلاق و آداب و رسوم خود استفاده کنند که ساکنان یک شهر بزرگ. بنابراین در فضای سایبر جا برای همه هست ولی هر کشنگری که تلاش و تولید بیشتری داشته باشد سهم بیشتری هم طبیعتاً خواهد برد.

❖ **آیا پالایش محتوی در فضای مجازی لازم و مقدور است، اگر پاسخ مثبت است مهم ترین ملاک های این کار چیست؟**

این سوال چند بخش دارد که هر کدام پاسخ جداگانه ای می طلبد. اگر مقصود از پالایش محتوا فیلترینگ است، اصل وجود آن را به طور مشروط می توان پذیرفت؛ یعنی به شرط انجام آن در شرایط مشخص و با ضوابط مشخص و تا حد مشخص. علت این امر آن است که اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم باید بگوییم سوءاستفاده ها و اعمال غیر اخلاقی ای که در فضای سایبر انجام می گیرد متأسفانه یک واقعیت غیر قابل انکار است. از طرف دیگر با توجه به خاصیت این فضا اگر انجام کارهای غیر اخلاقی به صورت گسترده و گروهی در آید پیامدهای تخریبی اش هم بسیار زیاد خواهد بود. از سوی دیگر نمی توان همه کارها را به کاربران و تشخیص آنها واگذار کرد و گفت هر کس باید خودش تصمیم بگیرد که چه کارهایی انجام بدهد یا ندهد؛ چرا که گاهی افراد امکان چنین تشخیصی را از نظر فنی و مانند آن ندارند، یا کسانی مثل کودکان و نوجوانان به آن حد از توان فکری نرسیده اند که بتوانند متوجه

خطرات و چالش های اخلاقی موجود در اینترنت شوند. همچنین هر روز شیوه ها و ابزارهای جدیدی برای انجام فعالیت های غیر اخلاقی و مجرمانه در اینترنت ابداع می شود که همگان نمی توانند آنها را شناسایی کرده و در برابر آنها موضع گیری صحیحی داشته باشند. با توجه به این امور بایستی از نوعی نظارت کلی و مشروط بر اینترنت دفاع کرد. اما این که این امر تا چه اندازه مقدور است به عوامل مختلف اطلاعات علمی، فنی و مانند آن بستگی دارد. درباره ملاک های اعمال پالایش نیز هر کشوری با توجه به قوانین و آداب و رسوم و فرهنگ خود معیارهای مختلفی را در نظر می گیرد، ولی برخی از امور هست که تقریباً همگان بر سر آن توافق دارند و اگر کسی در فضای سایبر آنها را نادیده بگیرد مشمول پالایش و فیلترینگ می شود. از جمله: تولید و توزیع مطالب و تصاویر مستهجن، اخلاص در نظم جامعه و یا نقض حاکمیت ملی، تهدید دیگران، تشویق افراد به کارهای مجرمانه، نقض حریم خصوصی افراد، دسترسی به سرمایه های افراد و موسسات بدون اجازه آنها و اموری از این قبیل.

❖ **در مراکز علمی ما در حوزه اخلاق فناوری اطلاعات چه کارهایی انجام شده است؟**

در سال گذشته توفیق حاصل شد که یک کار ماخذشناسی در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات به زبان فارسی انجام شود. هدف این بود که مهم ترین کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی که در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات در کشور ما تالیف یا ترجمه شده معرفی گردد. این کار به انجام رسیده و امیدواریم امکان انتشار آن در سال جاری فراهم شود. اگر بخواهیم بر اساس یافته های آن ماخذشناسی قضاوت کنیم باید بگوییم هر چند خوشبختانه در چند سال اخیر تلاش های علمی خوبی درباره مباحث مرتبط با اخلاق فناوری اطلاعات در کشورمان انجام شده و ادبیات موضوع بخصوص در گروه های اخلاق و فلسفه کشورمان جدی گرفته شده است، ولی با

توجه به گستره موضوعی این حوزه و نیاز جامعه ما همچنین با توجه به گسترش روزافزون استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی در کشورمان، هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم. از این رو بر عهده مسوولان مراکز علمی و پژوهشی و دانشجویان و اساتید رشته های مختلف، به ویژه رشته هایی چون فلسفه و اخلاق، است که در این زمینه برنامه ریزی و سرمایه گذاری بیشتری داشته باشند.

❖ **به طور مشخص چه کارهایی لازم است در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات انجام شود؟**

پاسخ جامع به این پرسش نیازمند همفکری و همگرایی افراد، مراکز و گروه های مرتبط با موضوع اخلاق فناوری اطلاعات است ولی چند نکته ای که در این جا به ذهن می رسد بیان می کنم: ۱. تدوین نظام اخلاق فناوری اطلاعات با توجه به مبانی و اصول دینی و ملی و حقوقی کشورمان. ۲. حرکت به سمت نظریه پردازی درباره موضوع ها و مباحث مرتبط با تولید و استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی. ۳. نگارش آثار تخصصی در این زمینه و سوق دادن بخشی از پایان نامه های دانشجویی به سمت آنها. ۴. طراحی و تاسیس رشته تخصصی اخلاق فناوری اطلاعات. ۵. حضور جدی در مجامع علمی و پژوهشی جهانی مربوط به اخلاق فناوری و عرضه دیدگاه های اندیشوران کشورمان در آنها. ۶. نقد و بررسی نظریه ها و دیدگاه های موجود در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات. ۷. افزایش نشریات تخصصی در این زمینه.

❖ **از حضور شما در این گفت و گو سپاسگزاریم.**

بنده هم از شما متشکرم و برای تان آروزی توفیق روزافزون دارم.



معرفی کتاب

محمد حسین اسفندیاری

درباره مباحث مربوط به اخلاق فناوری اطلاعات در کشور ما آثار اندکی به نگارش درآمده است که در این جا برای اطلاع بیشتر علاقه مندان، برخی از آنها معرفی می شود.



شهریاری، حمید، اخلاق فناوری اطلاعات، قم : انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ۱۵۰۰ نسخه، ۱۶۷ صفحه، ۲۵۰۰ تومان.

این کتاب به شیوه ای تحلیلی به موضوع «اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات» پرداخته است و به تعریف و تقسیم بندی بحث می پردازد و همراه تعریف «علم اخلاق» و «فن آوری اطلاعات و ارتباطات»، تقسیم بندی نسبتا جامعی از مباحث اخلاقی را بیان می کند. فصل دوم این اثر خوشخوان به تاریخچه و کلیات اخلاق فناوری و اطلاعات پرداخته و پس از بیان تاریخچه مختصرص از اینترنت در ایران و جهان به

بیان تعریف و هدف «اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات» می پردازد. ن. یسنده در چهار فصل بعدی از این کتاب به چهار مورد از اصلی ترین موضوعات اخلاق اطلاعات و ارتباطات، یعنی حریم خصوصی، حقوق مالکیت فکری، و پالایش محتوا می پردازد. مؤلف این اثر علاوه بر استفاده از ادله عقلی در هر موضوعی، به ادله نقلی دین اسلام نیز توجه نموده و آرا دینی را در آن موضوع کاوش کرده است.



دریفوس، هیوبرت ال .، **درباره اینترنت**،
ترجمه علی فارسی نژاد، تهران: نشر ساقی،
چاپ اول: ۱۳۸۳، رقعی، ۲۲۰۰ نسخه، ۱۳۵
صفحه، ۱۲۵۰۰ ریال.

ترجمه دیگر: آنچه اینترنت نمی تواند انجام
دهد یا نگاهی فلسفی به اینترنت، ترجمه علی

ملائکه، تهران: گام نو، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۲۰۰ نسخه، ۱۸۳
صفحه، ۱۷۰۰۰ ریال .

این اثر با نگاهی تماما فلسفی به اینترنت می نگرد و سوال اصلی خویش را اینگونه مطرح می کند: چه خواهد شد اگر اینترنت نقش اساسی در زندگی ما باز کند؟ وی اینترنت را عاملی برای برون رفت از جسم و رهایی از بدن آدمی می پندارد و همین عامل را که (سال ها مورد توجه فلاسفه بود) موجب بروز مشکلاتی در زندگی انسان می داند. وی رویای آموزش از راه دور اینترنت را غیر عملی می داند زیرا بدون حضور آن نمی توانیم مهارت کسب کنیم. او بدن را منبع درک ما از واقعیت می

پندارد چنانچه حضور از راه دور منجر به دور بودن از واقعیت می شود و حضور مجازی به هویت مجازی و گمنامی می انجامد که این عاملی برای نیهیلیسم می شود. به عقیده وی معنا در زندگی ما نیاز به تعهد واقعی مستلزم روبرو شده با خطرهای واقعی است. گمنامی و امنیت تعهد مجازی آن لاین به زندگی بدون معنا منجر خواهد شد.

فصول این کتاب از این قرار است: فصل اول که «گزافه گوئی درباره ابر پیوندها» نام دارد به محدودیت های ابر پیوند می پردازد و شکست هوش مصنوعی و واداشتن ماشین ها به اینکه به شیوه ای تماما شبیه رفتار هوشمندانه انسان ها رفتار کنر را هدف قرار می دهد. فصل دوم تحت عنوان «یادگیری از راه دور چقدر از یادگیری دور است؟» درگیری و حضور را جهت آموزش لازم می داند. فصل سوم با عنوان «حضور از راه دور نامتجسد و متروک شدن امر واقعی» فقدان پیوستگی و هماهنگی را به عنوان پس زمینه خصوصیت حضور از راه دور مطرح می کند که این امر موجب فقدان درک واقعیت افراد و اشیا می شود. و فصل آخر که «نیهیلیسم در بزرگ راه اطلاعاتی: گمنامی در برابر تعهد عصر حاضر» نام دارد هویت مجازی و نیز امنیت بی دغدغه تعهد های مجازی را از میان بردن تعهد در زندگی می داند که این امر به رخت بستن معنا از زندگی و گرایش به پوچی ختم می شود.

برتون، فلیپ، آیین اینترنت؛ تهدیدی برای

پیوند اجتماعی؟، ترجمه علی اصغر سرحدی

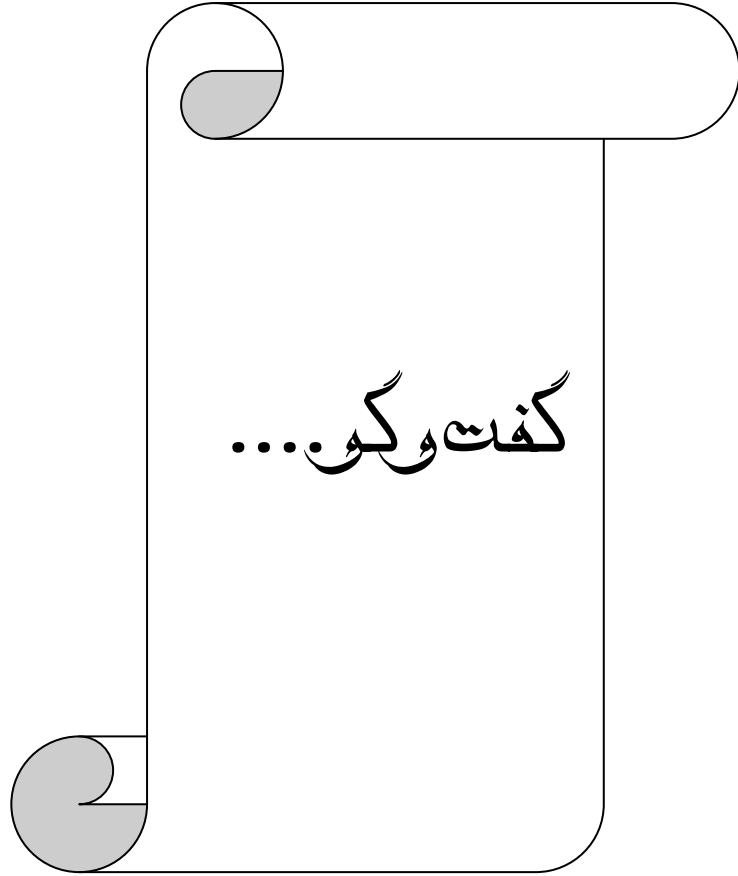
و ن. جمشیدی، تهران: مؤسسه انتشارات

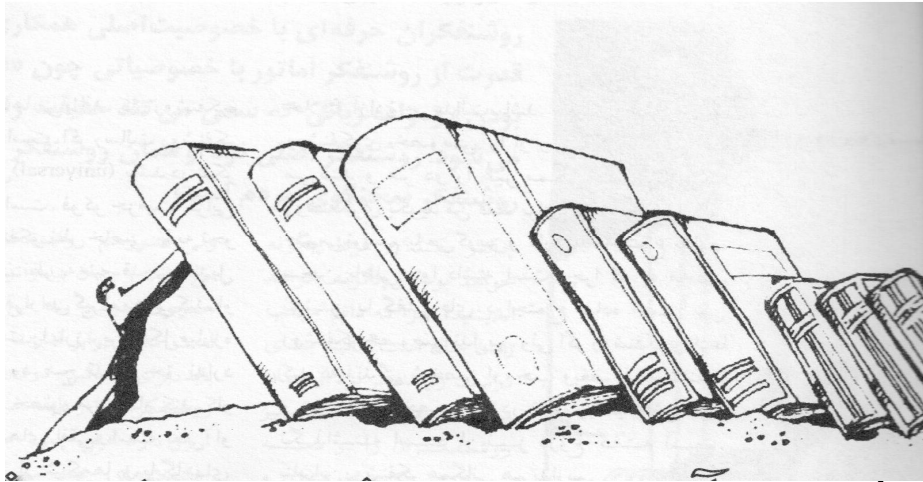
امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، رقعی،

۲۰۰۰ نسخه، ۱۶۸ صفحه، ۹۰۰۰ ریال.



نویسنده این کتاب با نگاهی جامعه شناسانه به اینترنت و مسائل پیرامون آن می نگرد. وی اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات را محصول بسترهای تاریخی می داند و بر این عقیده استوار است که اینترنت به یکباره زاده نشده است. لذا باید با توجه به بستر تاریخی پیدایش بدان نگریسته شود. او اینترنت را به سان مذهبی نوظهور می داند که مجموعه اعمال (آیین) را می طلبد و سنگ بنای این اعمال تسهیل همه فرصت های ارتباطی است. مؤلف این کتاب چنان که خود اذعان دارد با نگاهی خالی از تعصب به چالش ها و مشکلات منتج از اینترنت همچون از دست دادن چهره و فردیت انسانی و وداع با کالبد به مثابه اصل هویت انسان نظر می افکند و دست از موافقت و مخالفت کامل با اینترنت برمی دارد و در جهت مذهبیت زدایی و مخالفت ستیزی درباره این مهم گام برمی دارد. دفاع وی از اینترنت به خاطر کاربرد انسان گرایانه فنون و غیر مذهبی کردن ارتباطات است. اهم فصول این کتاب از این قرار است: موافقت یا مخالفت اینترنت؛ راه کار غلط؛ نوید دنیای بهتر توسط اینترنت؛ دنیایی از باورها پیرامون اینترنت؛ تابوی ملاقات مستقیم یا تهدیدی برای پیوند اجتماعی؟





کوشندگان طریق تحقیق

گفت و گو با زهرا عظیمی و غلامعلی میرنسب
دانشجویان پژوهشگر دانشگاه مفید

یکی از اهداف نشریه دانش پژوهان معرفی دانشجویانی است که در زمینه تحقیق و پژوهش فعال هستند. بر همین اساس، در این شماره سراغ دو تن از دانشجویان دانشگاه مفید رفتیم که کار تحقیق را جدی گرفته اند و آثار آنها در جشنواره های علمی از قبیل جشنواره علامه حلی مورد تقدیر قرار گرفته است. امید است در شماره های دیگر امکان گفت و گو با دیگر دانشجویان پژوهشگر فراهم شود.

﴿﴾ لطفا ضمن معرفی خود و رشته تحصیلی تان، گزارشی از موفقیت های آموزشی و پژوهشی خود را بیان فرمایید.

عظیمی: در ابتدا به دست اندرکاران مجله خسته نباشید عرض می کنم. لازم است بیان کنم که من، خود را دانشجوی موفق نمی دانم و از حسن ظن شما و این که این فرصت را در اختیار من قرار دادید، سپاسگزارم. اینجانب زهرا عظیمی در در شهریور ۸۹ مقطع کارشناسی ارشد رشته معارف قرآن را به اتمام رسانده و از پایان نامه خود با اخذ نمره ۱۹/۲۵ دفاع نمودم. همان طور که مستحضرید دانشجویان رشته معارف قرآن را نوعاً طلاب تشکیل می دهند و من نیز پیش از ورود به دانشگاه، سطح دو و سه حوزه را به پایان رسانیده ام. از جمله توفیقاتی که در عرصه پژوهش در طی دوران تحصیل کسب نموده ام، رتبه دوم در همایش دانشجویی عدالت در سال ۸۳ و کسب عنوان دانشجوی پژوهشگر نمونه در رشته معارف قرآن در سال ۸۷ و کسب رتبه سوم در بخش کتاب در جشنواره علامه حلی (آثار پژوهشی طلاب جوان) می باشد.

میرنسب: ابتدا از مجله فعال و پویای دانش پژوهان و اعضای پرتلاش هیات تحریریه آن تشکر می کنم. متولد ۱۳۵۹ هستم. پس از اخذ دیپلم، بلافاصله در سال ۷۷ وارد حوزه علمیه شیراز شدم. در شیراز نیز پس از اتمام سطح یک حوزوی (اتمام سال ششم) در سال ۸۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. هم زمان با ادامه تحصیلات حوزوی در قم به تحصیل دروس دانشگاهی در رشته کارشناسی حقوق (دانشگاه مفید قم) نیز مشغول بودم. پس از آن در سال ۸۶ علاوه بر اشتغال در مقطع درس خارج حوزوی، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد (دانشگاه قم)، همزمان با گذراندن دوره وکالت، ادامه دادم که نهایتاً در سال ۸۸ موفق شدم با دفاع از پایان نامه ام با عنوان «تعارض - های داخلی قوانین احوال شخصیه در حقوق ایران و مصر» از مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شوم.

در سال ۸۰ به تدریس در حوزه علمیه شیراز و در سال ۸۸ به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. همچنین افتخار همکاری با پژوهشکده باقرالعلوم در تدوین دایره‌المعارف حقوقی را نیز داشته‌ام؛ چند عنوان مقاله چاپ شده در مجلات مختلف را دارم و هم‌اکنون نیز به نگارش چند مقاله مشغولم و یک کتاب نیز در دست انتشار دارم. ضمناً در سال ۸۱ طلبه ممتاز استان فارس شدم، در سال ۸۷ نیز موفق به کسب رتبه دوم استعداد درخشان قم شدم؛ همچنین در سال ۸۸ نیز به عنوان پژوهشگر برتر کشوری در دومین جشنواره علامه حلی (ره) و در سال ۸۹ نیز به عنوان طلبه ممتاز در جشنواره ملی جوان ایرانی برگزیده شدم.

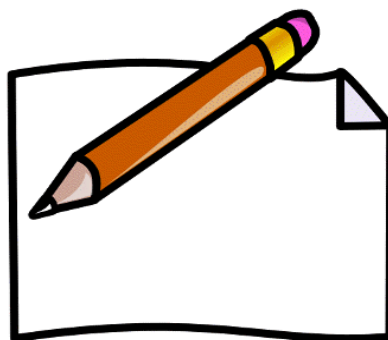
﴿ لطفاً عناوین آثار پژوهشی منتشر شده خود را بیان فرمایید.﴾

عظیمی: برخی از آثار منتشر شده بنده از این قرار است: مقاله «حسن معاشرت با همسر» در مجله شمیم یاس، شماره ۹، آذر ۱۳۸۲؛ مقاله «عدالت در حقوق متقابل زن و مرد» در مجله دانش پژوهان، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵؛ مقاله «حقیقت معنا» در مجله دانش پژوهان، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۷؛ مقاله «جنگ و صلح و پایبندی به عهدنامه در قرآن کریم» در مجله دانش پژوهان، شماره ۱۸-۱۹؛ کتاب نگاهی به حقوق زن در اسلام، ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

میرنسب: اهم فعالیت‌های پژوهشی اینجانب عبارتند از: مقاله: «چگونگی حفظ حقوق سهامداران سابق» منتشر شده در شماره ۱۲ نشریه دانش پژوهان؛ مقاله: «وکالت پنهانی در آرای فقها» منتشر شده در شماره ۱۳ نشریه دانش پژوهان؛ مقاله: «تاثیر تحصیل و ترک تابعیت زوج بر تابعیت اولاد و زوجه» منتشره در سایت پژوهشکده باقرالعلوم؛ مقاله: «مطالعه تطبیقی تعارض‌های داخلی نکاح» منتشر شده در شماره ۲۰ فصلنامه تخصصی فقه و حقوق.

👉 نظر شما درباره جایگاه و اهمیت پژوهش های دانشجویی در یک نظام جامع علمی چیست؟

عظیمی: تحقیق و پژوهش ابزاری قوی برای تولید دانش محسوب می شود و پژوهش های دانشجویی در حقیقت به عنوان تمرینی محسوب می شود که دانشجو را برای ورود به عرصه های مهم تر پژوهشی آماده می سازد. از آن جا که این گونه تحقیقات معمولاً زیر نظر اساتید انجام می شود، دانشجو می تواند از نقاط ضعف و قوت کار خود مطلع شود و از تجربیات اساتید استفاده نماید. در این صورت می توان گفت که دانشجو توانسته اولین گام های جدی در عرصه پژوهش را محکم بردارد و در آینده پژوهش های بهتری انجام دهد.



میرنسب: قطعاً پژوهش ها و تحقیقات دانشجویی در یک سیستم جامع مثل سایر آثار پژوهشی، می تواند مقدمه ای در جهت شناخت و حل معضلات جامعه باشد؛ به ویژه اینکه همین آثار خط مشی و نقشه راه آینده یک کشور و نظام را ترسیم می کند، منتها برخی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، برخی از لحاظ اقتصادی و صنعتی و مواردی از این قبیل، مشکل گشای امور خواهند بود. در یک کلام «هیچ جامعه موفقی نیست مگر اینکه به کار و تلاش آینده سازانش اهمیت داده، لذا موفقیت یک نظام فارغ از تاثیر کار دانشجویان بالفعل و بالقوه او نیست».

👉 مهم ترین نقاط ضعف و آسیب های تحقیقات و پژوهش های دانشجویی کدام است؟

عظیمی: به نظر می رسد تحقیقات دانشجویی در جامعه ما در بسیاری موارد، از

طرف دانشجو جدی گرفته نمی‌شود و گاه فقط برای رفع تکلیف نوشته می‌شود. در این شرایط آسیب‌هایی این پژوهش‌ها را تهدید می‌کند که مهمترین آن‌ها سطحی بودن این آثار، تکراری بودن مباحث و موضوعات و نداشتن حرف نو و جدید است که حتی خود دانشجو هم به مفید نبودن این گونه پژوهش‌ها واقف است.

میرنسب: بطور خلاصه، مهمترین آسیب‌ها را می‌توان اینگونه بیان نمود: از یک سو، نبود اهتمام جدی و عدم شناخت ارزش و جایگاه واقعی پژوهش‌های دانشجویی؛ از سوی دیگر فقدان فرایندی که افراد به امر پژوهش تشویق شوند و اقبال جدی نشان دهند. البته برخی از این مشکلات، برمی‌گردد به ترویج آموزش محوری در سطح دانشگاهی، به جای پژوهش محوری یا آموزش پژوهش محور.

راه کارها و پیشنهادهای شما برای رفع این آسیب‌ها و تقویت شور و نشاط علمی و پژوهشی در محیط‌های علمی چیست؟

عظیمی: در اولین گام باید در دانشجو ایجاد انگیزه نمود و این انگیزه از راه‌های مختلفی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال اهتمام اساتید و نظام آموزشی به تحقیقات دانشجویی یکی از این راه‌هاست که می‌تواند در دانشجویان ایجاد انگیزه نماید که تحقیقات دانشجویی را جدی بگیرند. راهکارهای دیگری نیز وجود دارد از جمله برگزاری همایش‌های دانشجویی، چاپ و نشر تحقیقات ایشان در مجلات دانشجویی و نیز ارزش‌گذاری به آثار علمی دانشجویان در پذیرش دانشگاه‌ها در مقاطع بالاتر که البته از این روش‌ها در برخی موارد استفاده می‌شود ولی نیاز است پرننگ تر شود.

میرنسب: برای رفع چالش‌های فوق به برنامه‌ریزی دقیقی نیاز است، ولی می‌توان به این راه کارها اشاره کرد: حمایت مادی و معنوی از آثار پژوهشی خوب و متقن دانشجویی، احتساب امتیاز علمی در سطوح بالاتر دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی، انتشار

مقالات در مجلات معتبر علمی و ایجاد کارگاه‌های آموزشی راجع به امر پژوهش.

﴿﴾ نقش نشریات دانشجویی در رونق بخشیدن به فضای علم و تحقیق در جامعه ما چیست؟

عظیمی: نشریات دانشجویی می‌توانند بسیار موثر باشند و دانشجویان را به این خودباوری برسانند که او نیز می‌تواند اثری ارائه دهد که در این نشریات منتشر شود و در معرض نظر سایر دانشجویان قرار گیرد و برای دیگران نیز ایجاد انگیزه می‌نماید که به پژوهش اهمیت بیشتری دهند.

میرنسب: طبعاً نشریات پژوهشی دانشجویی می‌تواند سهم موثری در ارتقای فضای پژوهش و تحقیق در دانشگاهها داشته باشد و شور و نشاط مضاعفی را ایجاد کند؛ به گونه‌ای که وقتی دانشجو بفهمد که اگر خوب کار کند، به کارش ارج گذاشته می‌شود و در یک مجله معتبر علمی آثارش چاپ می‌شود، این امر برای او یک امتیاز محسوب می‌شود که بالاخره توانسته دست به قلم ببرد و دیگران از کار و معلومات او استفاده کنند.

﴿﴾ نظر شما درباره نشریه دانش پژوهان به عنوان یک مجله علمی دانشجویی چیست؟ اگر مواردی از تاثیر آن را سراغ دارید بیان فرمایید.

عظیمی: نشریه دانش پژوهان را شاید بتوان یکی از نشریات موفق دانشجویی دانست. از نقاط قوت آن این است که تقریباً از تمام رشته‌های موجود در دانشگاه در آن مطلب چاپ می‌شود و این امتیاز آن را برای همه دانشجویان قابل استفاده نموده است. پیشنهاد می‌کنم که برای استفاده بیشتر دانشجویان، مطالب آن در سایت هم قرار گیرد تا دسترسی به آن راحت‌تر صورت گیرد.

میرنسب: بدون تردید نشریه موفق دانش پژوهان، نقش خوب و چشمگیری در زمینه تشویق دانشجویان به پژوهش ایفا کرده به ویژه اینکه برای خودم در امر نویسندگی و قلم بدست شدن، با انتشار اولین مقاله خود در این مجله پربار، جرات پژوهش را در خودم

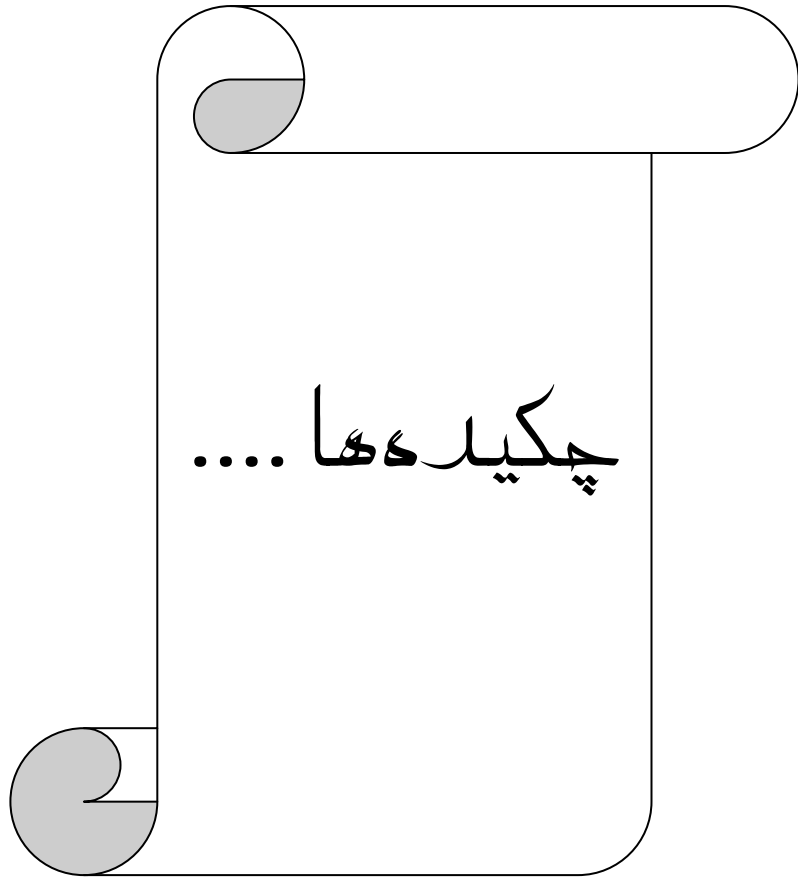
دیدم و همین امر باعث شد که آثار پژوهشی بیشتر و با کیفیت بهتری ارائه دهم.

﴿ در آخر اگر نکته بیان نشده ای به نظر تان می رسد برای دست اندکاران و مخاطبان مجله دانش پژوهان بیان فرمایید.

عظیمی: برای همه دست اندرکاران پر تلاش مجله آرزوی توفیق و سربلندی دارم.

میرنسب: جای بسی خرسندی است که این مجله به عنوان مجله برتر دانشجویی در سطح کشوری نیز شناخته شده است. ضمن تبریک این موفقیت به دست اندرکاران پرتلاش این مجموعه، امیدوارم همواره شاهد حضور پررنگ این مجله در عرصه پژوهش و تحقیق باشم.

﴿ از پاسخ های شما به پرسش های دانش پژوهان سپاسگزاریم.



Factors affecting the savings rate of private sector of Iran's oil economy

Ayyub Khazayee¹

In countries such as Iran, which has rich reserves of natural resources, exporting the product of natural resources, fills the gap between savings and investment. Therefore the major role of these resources in savings can not be ignored. Furthermore the role of other factors should be taken into consideration.

Therefore this study aims to investigate the effectiveness method of oil revenues on private sector savings; moreover the factors affecting the rate of private sector savings during 1355-1386 have been introduced.

The ordinary least squares method was used to test the hypotheses, and there were positive effects of increased growth rates of oil revenues and the growth rate of population of employees to total population on savings rate of private sector, was approved.

Key words:

Savings rate of private sector, oil revenues, household savings behavior.

¹.MA student of economy at Mofid university.

Analysis of American Economic Crisis

Vahid Khanmohammadi¹

This study aims to examine the causes of the crisis in America, and its effects on the international economy as well as the ways to prevent it. Expansionary monetary policies conducted by government and injection of money through the increase in government spending and also the monetary policy to reduce interest rates and a rise in lending for housing brought about housing demand to be more than its supply and thus it led to a demand surplus and as a result housing prices increased. The resulting boom in the housing market encouraged the loan and mortgage funds to give more profits and this increased the number of funds and it motivated domestic and foreign investors to purchase these funds. Because of dollar fall at this time, housing prices reduced and there was a supply surplus in this sector and due to inability to pay off loans, houses were given to the banks and because of the housing market recession, mortgage and loan funds broke and subsequently the banks went bankrupt.

Key words:

Interest rate, recession, expansionary monetary policy, demand surplus, housing price.

¹. MA student of economy at Mofid university.

Social Justice and National Security in Afghanistan

Mohammad Amin Heidari¹

Social justice means that each citizen shall be entitled to the all benefits of political, economic, cultural and social life without discrimination and inequality of equal rights. Also, national security means that citizens should be protected against internal and external threats. Social justice has got an influential role in the satisfaction and social harmony and this will lead to stability and security in the society. This paper examines the issue that the Afghan society has experienced different types of discriminations and inequalities in the last two centuries and because of this problem the community has been faced with the crisis of social divergence and instability.

Keywords:

justice, social justice, security, national security and Afghanistan.

¹. MA student of politics at Mofid University of Qom

Political Lifestyle and Confirmation of the Fourteen Infallible Ones (PBUT)

Ali Karkhaneh¹

The present study is initially going to present a simple and eloquent definition of the two terms- lifestyle and confirmation- and to examine them politically .It also demonstrates a perspective of the relationship between these two concepts with their matched key elements and illustrates the subtle differences which have not been paid enough attention by the scholars. It also expresses examples of the political lifestyle and confirmation of the fourteen infallible ones (PBUT) in specific categories. Although the research ahead is subject oriented, it is rather able to respond to some minor but essential questions in order to fully overlook the subject matter of the research. E.g.: Are the political lifestyle and confirmation of the fourteen infallible ones (PBUT) reasons to necessity of those practices or general permission for common use?

What is the difference between the historical understanding of infallibles behaviors and their lifestyle and confirmation in the early Islamic era? What is the difference between political lifestyle and confirmation of the fourteen infallible ones with their political behavior?

Key words:

lifestyle, tradition, Islamic political thought, religion & politics, Islam and politics.

¹. MA student of politics at Mofid University.

Acquiring Security from Foreign Nationals

Mohammad Mahdi Hakimi Tehrani¹

If foreign nationals proceed against an Iranian citizen, the Iranian national has got the right to ask for security due to the probable damages of the proceedings, and the court is bound to accept it . Acquiring the security for costs from foreign nationals is in fact considered as an objection to the defendant and since this demand causes a temporary interruption in legal proceedings, law categorizes it as the incidents of proceeding.

The very acquiring of security from foreign government citizens, its conditions, situations and exceptions in Iran's law and the law of the putting it into trial based on the Revolution court or the public court in the civil procedure besides legal experts' opinions are analyzed in this document from a theoretical and descriptive points of view with an introductory objective.

Key words:

Foreign nationals, security, incidents of proceedings, sanction, civil procedure.

¹ . MA student of Private Law at Mofid University.

Specialized Criminal Prosecution for juveniles from Necessity to Reality

Mohsen Bolhasani¹

Juveniles' low level of cognition and self-defense cause them to be supported more in comparison to adults. Among these supports are the specific proceedings for this class of society under different titles such as accused, offender or witness. While addressing this issue, this essay studies Iran's legal system and presents essential suggestions to amend some current laws and regulations while considering the formation of a global system to protect children.

Key words:

Juvenile delinquent, Specialized Criminal Prosecution, juvenile criminal charge, juvenile court, juvenile's rights tact.

¹. MA student of law at Mofid University.

Machiavelli and Surpassing of Ethics

Omid Nikdad¹ – Rahim Dehghan²

Machiavelli's thinking concerning politics and ethics in particular has been one of the most controversial topics in the history of political thought. The majority of the disputes and pessimisms have been the result of this question: why did Machiavelli sacrifices moral laws, and even religion for the sake of power and politics? This essay seeks to explain Machiavelli's attitudes about ethics and politics and expresses that Machiavelli, being influenced by the humanistic atmosphere ruling over the renaissance, applied moral laws and precepts in the service of policy, aiming to achieve a society in which freedom and full security would be provided.

Key words:

Machiavelli, virtue, fortune, necessity, humanism, the Renaissance.

¹. MA student of Ethics at Payam Noor University of Qom and graduate BA student of philosophy at Mofid University.

². Ph.D student at University of Religions and Denominations.

Position of the "method" in the philosophy of Descartes
Abdolazim Arouda ¹

Descartes is one of those philosophers who has discussed methodology.

He believes that his predecessors due to the lack of an appropriate and proper method had had no scientific and practical progress in their philosophizing and their method has been the origin of neither any evolution, nor any transformation in the world. Descartes founded a method which in his own belief unifies all sciences so that the certainty in science would be proved. In this paper skepticism and unity of science in Descartes' philosophy which are an introduction to the method along with the discussion of the Cartesian method are explored.

Key words:

Rene Descartes, method, unity of science, Cartesian skepticism, modern western philosophy.

¹. MA student of philosophy of Religion at Mofid University and the student at Islamic Seminary of Qom.

Women's Disobedience and its Influences on the Contemporary Commentators Thought

Houra Shah-Jafari¹

Allah divides women into two groups of recalcitrant and obedient ones in the holy thirty-fourth verse of Surah An-Nisa. Although women's recalcitrance is proved under certain conditions but once appeared, it is the main duty of a man to eliminate the disagreements in life and to return her to the shared life. This verse offers three steps to deal with a recalcitrant woman that must be done in order. In the first stage which is called admonition two issues play significant role, one is "the preaching's topic" and the other one is "the knowledge to express that", and it is necessary for the man to ask experts for help, if he is not qualified to admonish. The second stage is leaving them alone in the sleeping place which also implies giving her the cold shoulder in beds and the third one is beating her as the last resort to solve women's recalcitrance problem, while its performance requires specific circumstances. However it has been done rarely, considering all the essential requirements in a way that its performance does not cause either any psychological or spiritual harm to women.

Key words:

Woman's disobedience, thirty fourth verse of Surah An-Nisa, women's punishment; impacts of recalcitrance, interpretation of the holy Quran.

¹. MA student of Quran Studies at Mofid University.

Review and Critique of Numerical Miracle Theory of the Holy Quran

Mohammad Reza Mahdavi Yeganeh¹

Numeric miracle is one of the various types of scientific miracles of Quran which has been concerned seriously in the past century. Some of those who advocate divine and superhuman aspect of the Quran have paid attention to the mathematical discipline of the Quran to prove its legitimacy and divinity, trying to prove a general law and ubiquitous orderliness throughout the Quran, hence introducing a special number as a numerical and esoteric password. For instance number 19 was examined by one researcher, number 7 or other numbers by another one. Besides, others posed the contrast of terms and the numerical ratio between them or they even applied other ways to get the key to Quran's comprehension's code. In this paper, the rate of their validity is surveyed by checking each one of these claims and the reasons filed to them.

Key words:

Quran, numerical miracle, numeric proportionality, the mathematical discipline, miracle.

¹. MA student of Quran Studies at Mofid University.

راهنمای نگارش مقاله برای دانش پژوهان

نشریه دانش پژوهان به منظور رشد و گسترش اندیشه ورزشی در علوم انسانی، پذیرای مقاله طلاب و دانشجویان گرامی است. برای نگارش مقاله لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف: شرایط علمی

۱. مقاله بایستی ثمره تلاش های نویسنده باشد و او در برابر اعتراض های ادعاهای احتمالی پاسخگو خواهد بود. در صورت کشف خلاف، نشریه حق خود می داند که موارد را در شماره بعدی به اطلاع مخاطبان برساند.
۲. مقاله باید دارای اصالت، نوآوری، و حتی المقذور به صورت تحلیلی باشد.
۳. ارسال مقاله به دانش پژوهان به معنای آن است که مقاله در جای دیگری منتشر نشده و همزمان برای نشریات دیگر نیز ارسال نشده است.
۴. نگارش مقاله باید تابع شیوه نامه تحقیقات علمی باشد و در تدوین آن از منابع معتبر و اصیل استفاده شده باشد.

ب: شرایط نگارش

۱. مقاله باید دارای سیر منطقی و ساختار محکم و استوار بوده، و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شده باشد.
۲. عنوان مقاله کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مولف یا مولفان همراه با درجه علمی، مقطع تحصیلی و دانشگاه یا حوزه محل تحصیل، همچنین شماره تلفن و پست الکترونیکی (ایمیل) ذکر شود.
۴. مقاله دارای چکیده فارسی و انگلیسی، هر کدام حداکثر در ۱۵۰ کلمه، باشد.
۵. واژگان کلیدی به زبان فارسی و انگلیسی، هر کدام پنج واژه، در ذیل چکیده ها ذکر شود.
۶. مقاله باید دارای سوال اصلی، فرضیه تحقیق، و مقدمه دقیق و روشن باشد به

- گونه ای که خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده نماید.
۷. در بحث اصلی، موضوع و مدعای مقاله باید به خوبی تبیین و تحلیل شود. همچنین در صورت لزوم، نتیجه گیری و جمع بندی در پایان آورده شود.
۸. معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم در پاورقی ذکر شود.
۹. آدرس دهی به صورت درون متنی باشد. به این صورت که درون پرانتز، فامیل نویسنده، سال نشر کتاب یا مقاله، و شماره جلد و صفحه بیاید. مانند: (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۵/۲ - ۴۷).
۱۰. منابع تحقیق در پایان مقاله به صورت زیر تنظیم شود:

الف: کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار (درون پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر: ناشر، نوبت چاپ.

ب: مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله «داخل گیومه»، نام مترجم یا گردآورنده، عنوان مجله یا مجموعه مقالات، محل نشر، شماره جلد و صفحات.

ج: منابع اینترنتی

- نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان، نشانی اینترنتی، تاریخ مراجعه به سایت.
۱۱. مقاله باید در حدود ۲۰ صفحه ۳۰۰ کلمه ای باشد و با برنامه word 2007 و بالاتر و با قلم B Zar سایز ۱۱ به صورت پرینت شده و همراه با فایل آن ارسال شود.
۱۲. مقالات ارسالی به هیچ عنوان برگشت داده نمی شود.
۱۳. مجله در پذیرش مقالات و ویراستاری آن آزاد است.
۱۴. استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است.

راهنمای اشتراک مجله دانش پژوهان

جهت دریافت منظم و اشتراک مجله لطفاً به موارد زیر توجه فرمایید:

۱. فرم اشتراک یا کپی آن را به صورت کامل تکمیل کرده و حتماً کد پستی خود را ذکر کنید.
۲. حق اشتراک را در یکی از شعبه های بانک تجارت به حساب زیر واریز نمایید:
حساب شماره «۴۹۷۴۰» بانک تجارت شعبه صندوق قم (کد شعبه ۱۵۰۴۰) به نام دانشگاه مفید.
۳. اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده زیر به آدرس نشریه ارسال فرمایید.
۴. هرگونه تغییر در نشانی را به دفتر مجله اطلاع دهید.
۵. حق اشتراک برای یک سال (چهار شماره) ۱۰۰٫۰۰۰ ریال است.

| فرم اشتراک | |
|----------------------------|-------------|
| نام و نام خانوادگی: | شغل: |
| نام شرکت یا موسسه: | |
| سابقه و شماره اشتراک قبلی: | |
| شماره های مورد درخواست: | |
| نشانی دقیق: | |
| | |
| | |
| کد پستی: | صندوق پستی: |
| پست الکترونیک: | تلفن: |
| | تاریخ: |
| | امضا |